

## «سیره اخلاقی - تربیتی حضرت فاطمه (ع)»

### مقدمه

پی بردن به ابعاد وجودی و حقیقت شخصیت حضرت فاطمه (س) برای کسی - جز افرادی که در عصمت و مقامات معنوی هم طراز او هستند - میسر نیست؛ اما از آنجا که خداوند این خاندان مطهر را هادیان خلق معرفی کرده و سخنان و رفتارشان را حجت و الگوی همگان قرار داده است، شناخت ایشان، بهره مندی از هدایت و الگوگیری از زندگی و رفتارشان در حد امکان، وظیفه‌ای حتمی است؛ چرا که اطاعت از او همچون اطاعت از سیزده خورشید دیگر آسمان عصمت بر همه مردم واجب است.

امام باقر (ع) در مقام وجوب اطاعت آن حضرت می‌فرماید: «اطاعت فاطمه (ع) بر تمام بندگان الهی از جن و انس گرفته تا پرندگان و حیوانات و پیامبران و فرشتگان، واجب است.»

### درس اول: ویژگیهای تربیت اسلامی

تربیت از ریشه «ربو» و به معنای پرورش و رشد دادن است و در کاربرد مطلق و بدون قید در مورد انسان و غیر انسان همچون حیوانات و نباتات به کار می‌رود. چنان که در مورد انسان نیز اختصاص به استعدادهای معنوی، مانند علم و ایمان ندارد؛ بلکه شامل هر گونه استعدادی می‌شود.

درباره مفهوم اصطلاحی تربیت انسان، تعریفهای مختلفی ارائه شده است که جامع‌ترین و فراگیرترین آنها را می‌توان این تعریف دانست: تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای شکوفایی استعدادهای بالقوه انسان در جهت مطلوب.

منظور از پسوند «اسلامی» نیز آموزه‌های دینی موضوع تربیت است که در قرآن کریم و روایات بدانها اشاره رفته و از امتیازات و ویژگیهای تربیت اسلامی به شمار می‌رود.

### ویژگیهای تربیت اسلامی

هر تعلیم و تربیتی ویژگیهایی دارد. تعلیم و تربیت اسلامی نیز دارای ویژگیهایی است که عبارتند از:

1- جنبه الهی: تربیت اسلامی تربیتی الهی است و ریشه در ایمان و اعتقاد آدمی دارد.

پیامبر اکرم (ص) در حدیث معروف می‌فرماید: «ادَّبَنِی رَبِّی فَاَحْسَنَ تَأْدِیْبِی» پروردگار من مرا تربیت کرد و چه نیکو تربیت کرد.

کامل و جامع بودن، سازگاری با فطرت آدمی، جاودانی ساختن حیات بشریت و تأمین سعادت ابدی از خصوصیات مهم تربیت الهی است. تعلیم دینی چون از مبدأ الهی نشأت می‌گیرند تحت تأثیر شرایط زمانی یا مکانی یا اجتماعی و به طور کلی زیر نفوذ یک یا چند عامل قرار ندارند و هیچ نوع محدودیتی در مورد آنها قابل تصور نیست؛ با طبیعت و نیازها و رشد و تکامل انسان سازگار است. هم بعد مادی فرد در حد نیاز مورد توجه است و هم بعد معنوی او.

2- جنبه هدایتی: در قرآن و دیگر متون دینی، خداوند متعال بعنوان هادی و راهنما معرفی شده است.

هدایت تکوینی الهی همه موجودات را در بر می‌گیرد و کل جهان آفرینش از سنتهای الهی پیروی می‌کند «گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده است [و] سپس هدایت کرده است.» (طه: 50)

هدایت تشریحی به وسیله پیامبران صورت می‌گیرد. قرآن مجید هدایتگر انسان به بهترین وجه است:

«این قرآن به راهی که استوارترین راههاست، هدایت می‌کند» (اسراء: 9)

پیامبران و امامان نیز در ابلاغ و تبیین احکام الهی نقش هدایتی ایفا می‌کنند:

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کنند و انجام دادن کارهای نیک را به آنها وحی کردیم.» (انبیاء: 73)

خداوند علاوه بر پیامبران از طریق قوای درونی، یعنی خرد آدمی نیز که در وجود او تعبیه کرده، به هدایت انسان پرداخته است و انسان در پرتو برخورداری از قدرت عقلانی و گرایش طبیعی به حق جویی و خداشناسی به حرکت خود در مسیر حق و صراط مستقیم ادامه می‌دهد.

موضوع هدایت از این جهت با مسئله تعلیم و تربیت پیوند می‌خورد که حقیقت تعلیم و تربیت از نظر بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت همان هدایت است و هدایت و تعلیم و تربیت دو مفهوم مترادف هستند و برخی هدایت را رسالت اساسی تعلیم و تربیت بر شمرده‌اند.

3- اسوه دهی: از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های هدایتگری و تربیتی - که در قرآن و روایات مورد توجه قرار گرفته - ارائه الگوهای شایسته به طور مستقیم یا غیر مستقیم است. قرآن، پیامبر گرامی اسلام را الگوی شایسته و اسوه حسنه مؤمنان معرفی می‌کند: «در پیامبر خدا برای شما الگویی نیکو است» (احزاب: 21)

در آیه دیگر از پیامبر اسلام، که خود اسوه حسنه مؤمنان است، می‌خواهد در پیمودن راه هدایت به پیامبران پیشین اقتدا کند: «آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است پس به هدایت ایشان اقتدا کن» (انعام: 90)

قرآن، گاهی موضوع اسوه دهی و الگوسازی را در قالب داستان و تمثیل مطرح کرده است. برای نمونه، در آیاتی آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران را مثال می‌زند و ایشان را اسوه تمام مؤمنان جهان، اعم از زن و مرد معرفی می‌کند.

معرفی مریم به عنوان الگوی شایسته همه مؤمنان در حالی است که رسول گرامی اسلام - بزرگ‌ترین مفسر قرآن - مریم را سرور بانوان زمانه خویش معرفی می‌کند؛ ولی حضرت فاطمه (س) را سرور و سرآمد جمله زنان در طول تاریخ معرفی می‌نمایند.

او پاره تن رسول خدا (ص) و وجودش استمرار وجود «اسوه حسنه» است؛ از این رو، سیره فاطمه (س) همچون سیره رسول خدا (ص) برای همه اعم از زن و مرد حجت است.

## درس دوم: بانوان اسوه در تاریخ

از نظر اسلام و قرآن ارزش و کرامت انسانی در گرو ایمان و اعتقاد صحیح و عمل نیک است و در این جهت فرقی بین زن و مرد نیست. آیات قرآن بر یکسانی زن و مرد در حرمت و کرامت انسانی و دستیابی به «حیات طیبه» و ورود در بهشت رضوان الهی تصریح دارد، از جمله:

«هر کس؛ چه مرد و چه زن عمل نیک انجام دهد، در حالی که مؤمن است، او را به حیات طیبه زنده می‌گردانیم». (نحل: 97)

«هر مرد یا زنی که عمل صالح انجام دهد و ایمان داشته باشد، به بهشت داخل می‌شود» (نساء: 124)

بنابراین، همان گونه که مردان می‌توانند در پرتو ایمان و عمل صالح به مدارج عالی انسانیت، صعود و قلّه شرف و کمال را فتح کنند و وجودشان در ابعاد مختلف، الگوی حق جویان و ره پویان باشد، زنان نیز در پرتو تلاش و مجاهدت می‌توانند از این جایگاه برخوردار باشند.

تاریخ نیز زنانی را نشان می‌دهد که در عرصه ایمان و عمل صالح و پیمودن مدارج رشد و کمال، گوی سبقت از دیگر زنان و بلکه مردان ربوده‌اند و نامشان در زمره اسوه‌ها و نقش آفرینان تاریخ به ثبت رسیده است که با توجه به محدودیت به معرفی اجمالی چند نمونه از آنان می‌پردازیم که در میان امتهای پیشین می‌زیستند و قرآن بدانان اشاره کرده و یا در شکل‌گیری، گسترش یا تداوم آیین مقدس اسلام در محضر بنیانگذار آن، حضرت ختمی مرتبت (ص) و یا جانشینان وی نقش داشتند و هر یک از جهتی الگو بودند.

### 1- آسیه بنت مزاحم

آسیه و همسر فرعون ستمگر و متکبر مصر بود. او به رغم آنکه در دربار فرعون می‌زیست و از همه نعمتهای مادی و دنیایی برخوردار بود، به خدای یگانه ایمان داشت و وقتی حضرت موسی (ع) به پیامبری رسید و او معجزه پیامبر الهی را در مقابل ساحران مشاهده کرد، به وی نیز ایمان آورد؛ اما اعتقاد خود را پنهان می‌داشت. سرانجام بر اثر پیشامدی فرعون به ایمان وی پی برد و از او خواست تا از پرستش خدای یگانه دست بردارد و او را به خدایی بپذیرد و او را در صورت خودداری از خواسته وی تهدید به شکنجه و قتل کرد، با این حال آسیه نپذیرفت. فرعون دستور داد او را شکنجه کنند و در زیر آفتاب به چهار میخ بکشند و سنگ بزرگی روی وی نهند و بدین گونه در راه عقیده و ایمان به خدای یکتا، روح از تنش پرواز کرد و در بیت رضوان الهی سکنی گزید و دعایش لحظاتی پیش از شهادت مستجاب شد.

قرآن کریم در برابر زنانی مانند همسران لوط و نوح که با وجود معاشرت و مصاحبت با پیامبران خدا، راه انحراف و کفر در پیش گرفتند، از آسیه به عنوان نمونه زنان پرهیزگار و موحد یاد می‌کند که به رغم زندگی در محیطی کفر آلود، ایمان خود را به پروردگار حفظ کرد و در کنار مریم (س)، خدیجه (س) و حضرت زهرا (س) در شمار برترین زنان بهشتی قرار گرفت.

### 2- مریم بنت عمران

مریم دختر عمران از نسل سلیمان است. این بانوی بزرگ که مادر حضرت عیسی (ع) می‌باشد از زنان برگزیده جهان و تنها زنی است که قرآن نام او را ذکر کرده است؛ ضمن آنکه یک سوره از قرآن به نام او است و شرح

حال و جریان باردار شدنش در دو سوره-آل عمران و مریم- توضیح داده شده است. مریم پاک به درجه‌ای از عرفان و عبودیت حق رسید که پروردگارش او را برگزید و به وی اعلام کرد: «ای مریم، همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمامی زنان جهان برتری داده است.» (آل عمران: 42) بر اساس این آیه، حضرت مریم همچون انبیای الهی، بنده خاص و برگزیده خدا و معصوم از هر گونه پلیدی و ناپاکی و نیز برترین زنان جهان دانسته شده است؛

پیامبر (ص) فرمود: «خداوند از بانوان جهان چهار زن از جمله حضرت مریم را برگزید.» حضرت مریم در پرتو برخورداری از این فضائل در ابعاد گوناگون زندگی می‌تواند الگوی خوبی برای همه حق طلبان و خداجویان به ویژه بانوان باشد.

### 3- خدیجه بنت خویلد

خدیجه، از نوادگان قصی بن کلاب، جدّ چهارم پیامبر (ص) و از زنان ثروتمند و سرشناس قریش بود. او علاوه بر ثروت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی از جمال و کمال بی نظیری برخوردار بود. پاکدامنی، شرافت خانوادگی، کمالات نفسانی و فضائل اخلاقی وی در آن محیط آلوده، زبازد خاص و عام بود؛ چندان که از او با لقب «طاهره» و «سیده قریش» یاد می‌شد. بدین روی خدیجه خواستگاران فراوانی از اشراف و بزرگان قریش داشت و او به همه پاسخ منفی می‌داد. گویی منتظر کسی بود که در پاکدامنی و شرافت خانوادگی از تبار او باشد.

خدیجه طاهره که حدود چهل سال داشت با نجیب‌ترین چهره قریش در سن بیست و پنج سالگی ازدواج کرد و حدود بیست و پنج سال از زندگی خود را با صفا و صمیمیت با او گذراند.

خدیجه که سیده قریش بود، از این پس خود را کنیز محمد (ص) خواند و در شمار بزرگ‌ترین حامیان رسول خدا (ص) و اولین گروندگان زن به وی در آمد و با فرزندان چون سرور یگانه زنان جهان، فاطمه (س) شبستان زندگی محمد (ص) را نورباران کرد. زندگی سراسر بندگی، جهاد و اطاعت پذیری از همسر این بانوی بزرگ اسلام، الگویی است برای همگان که در پی گزینش همسری ایده آل و زندگی خداپسندانه‌اند.

خدیجه با مردی ازدواج کرد که از امکانات مادی و مقام و منصب دنیوی بهره نداشت؛ اما وجودش مظهر فضیلت، صداقت، امانت و کرامت بود و با این انتخاب به همه معیارهای غلط جاهلی جامعه آن روز، پشت کرد و بدین روی، مورد بی مهری دنیادوستان و جاه‌طلبان و اشراف قرار گرفت تا جایی که هنگام زایمان فرزندش فاطمه (س) از مساعدت وی خودداری ورزیدند و او را تنها گذاشتند.

اموال خدیجه که پس از ازدواج، همه آنها را در اختیار پیامبر (ص) قرار داده بود در شرایط بحرانی به ویژه دوره سه ساله محاصره اقتصادی قریش نسبت به مسلمانان، در خدمت اسلام قرار گرفت و گره از کار مسلمانان گشود. وجود خدیجه و خدمات ارزنده او برای اسلام، به حدی برای پیامبر (ص) ارزشمند بود که وقتی وی از دنیا رفت، رسول خدا (ص) سال وفات او را- که مصادف با سال درگذشت ابوطالب نیز بود- «عام الحزن» نامید و هیچ گاه او را فراموش نکرد و همواره از او به نیکی یاد و برایش دعا می‌کرد.

## درس سوم: ابعاد شخصیت حضرت زهرا (س)

شناخت شخصیت حضرت فاطمه (س) همچون شناخت شخصیت دیگر معصومان (ع) از حوزه درک و فهم قاصر و محدود انسانهای عادی فراتر است. او در پرتو تعالیم عالی اسلام و مکتب تربیتی محمدی (ص) و کانون گرم و مقدس خانوادگی علوی (ع) جان خویش به زیور دانش و معرفت، کمالات نفسانی و معنوی و فضائل اخلاقی آراست و در عرصه‌های مختلف گوی سبقت از دیگران ربود و رتبت سروری زنان عالم و همتایی مقام ولایت علوی را از آن خود ساخت.

### 1- مقام علمی

معصومان از جمله حضرت فاطمه (س) دانش خود را از سرچشمه وحی فرا می‌گرفتند. او از محضر پدر به عنوان بهترین معلم بهره‌ها برد و درسهای عملی فراوانی از مکتب همسرش آموخت. علوم و اسراری که رسول خدا (ص) برای او باز می‌گفت، علی (ع) می‌نوشت و فاطمه آنها را در مُصْحَف خود گرد می‌آورد. به گفته امیرمؤمنان (ع) علم گذشتگان و آیندگان در صحیفه فاطمیّه آمده است. این مصحف هم اکنون نزد امام زمان (ع) است.

امام خمینی (ره) در وصیت نامه الهی-سیاسی اش درباره مصحف حضرت زهرا (س) می‌نویسد: «ما مفتخریم که ... صحیفه فاطمیّه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیّه (س) است، از ما است.»

### 2- مقام معنوی

مقام معنوی فاطمه (س) در قالب الفاظ و مفاهیم نمی‌گنجد و افراد عادی را توان آن نیست که در شأن و عظمت او سخن گویند. در یک جمله می‌توان گفت، فاطمه (س) مظهر انسان کاملی است که در قرآن و روایات چهره‌اش به تصویر کشیده شده است. وجودش مَثَلِ اعْلَی نَفْسِ بَشَرِی و مظهر صفات و اسمای الهی است. بر پایه روایتی پیامبر (ص) فرمود: «در مراحل رشد و کمال انسانی مردان بسیاری به مرحله کمال مقدّر خود دست یافته‌اند؛ ولی از زنان جز چهار تن به آن مقام نرسیده‌اند: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه.

دو فضیلت ممتاز

در میان فضائل بی شمار و کمالات معنوی حضرت زهرا (س) دو فضیلت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است: الف. مُحَدَّثَةٌ بُوْدن

از جمله القاب حضرت فاطمه (س) «محدثه» است؛ یعنی کسی که فرشته بر او نازل شده و با وی سخن می‌گفته است. بر اساس مفاد پاره‌ای روایات، پس از رحلت رسول خدا (ص) جبرئیل همواره بر فاطمه (س) وارد می‌شد و ضمن تسلی دادن ایشان، رخدادهای آینده را برایش باز می‌گفت و حضرت امیر (ع) آنها را می‌نوشت و بدین سان «مصحف فاطمه» که یکی از تجلیات علم بی نهایت الهی بر روح عظیم فاطمه (س) است، شکل گرفت.

ب. مظهر رضایت و خشم الهی

رسول خدا (ص) درباره شخصیت فاطمه (س) و حقانیت ایشان بیانات فراوانی دارد؛ اما سخن گهربار زیر همچون خورشیدی تابناک و روشنگر در میان دیگر سخنان آن گرامی در وصف فاطمه (س) می‌درخشد: (انَّ اللّهَ لَيَغْضَبُ بِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا) "خداوند با خشم فاطمه، خشمگین می‌شود و با رضایتش راضی می‌گردد."

### 3- منزلت و شرف خانوادگی

حضرت زهرا (س) در خانه وحی به دنیا آمد و در فضایی آکنده از عطر مائده‌های آسمانی همچون نزول فرشتگان و آیه‌های نورانی قرآن رشد یافت. پدر او، خاتم انبیا و افضل آنان و عقل کل و سنبل آفرینش و معلم و مربی بشریت است و مادرش خدیجه، زن سرشناس عرب و برخوردار از جمال و کمال معنوی؛ بنابراین، در منزلت و شرف خانوادگی کسی به پایه فاطمه (س) نمی‌رسد. افزون بر اینکه او نخستین ثمره وحی و تنها کودک خانواده و مادر آینده امامان (ع) است و طبعاً اهتمام والدین به ویژه رسول گرامی اسلام در تربیت وی و سرمایه گذاری درباره او بسیار بود.

### درس چهارم: ایمان و خداشناسی

خداشناسی و ایمان به مبدأ هستی، نخستین گام حرکت انسان به سوی کمال و سازندگی است. مادام که عنصر خداشناسی و ایمان به مبدأ در برنامه زندگی بشر وجود نداشته باشد، هر گونه اندیشه و حرکت عملی او بی ثمر خواهد بود.

ایمان به خدا تنها تکیه گاهی است که هیچ طوفانی توان لرزاندن و متزلزل کردن آویختگان به استوانه محکم آن را ندارد و آنان که در سطح جامعه، باد گرایشی و به تعبیر امیر مؤمنان (ع) «هَمَجَّ رَعاع» هستند، علت اساسی اش آن است که به استوانه محکم ایمان چنگ نزده‌اند.

ایمان، خواستگاه حبّ و بغض و راهنما و جهت دهنده آنست؛ از این روی مؤمنان از بالاترین حدّ محبت‌ها و کششها برای خدا برخوردار هستند.

حضرت زهرا (س) در اوج قله ایمان و خداشناسی قرار داشت و با همه ذرات وجودش به او عشق می‌ورزید. بهترین گواه بر وجود سراسر ایمان فاطمه (س) یکی تأمل در زندگی و رفتار و گفتار و حالات خود او است و دیگری شهادت پدرش رسول الله (ص) و همسرش امیرمؤمنان (ع).

### 1- جلوه‌های خداشناسی در زندگی حضرت فاطمه (س)

الف. دوران کودکی

حضرت فاطمه (س) پنج ساله بود که مادرش خدیجه (س) وفات کرد. روزی در حالی که بی تاب می‌کرد، از رسول خدا (ص) پرسید: «پدرجان، مادرم کجا است؟» رسول خدا (ص) در این اندیشه بود که چه پاسخی به دخترش بدهد، که جبرئیل نازل شد و گفت: «یا رسول الله! پروردگارت به فاطمه سلام می‌رساند و می‌فرماید به

او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه‌های بهشتی با آسیه و مریم زندگی می‌کند.» در پاسخ سلام و بشارت خداوند، حضرت زهرا (س) فرمود: «خدا حقیقت سلام است و سلام از او و به سوی اوست»  
ب. ترس از قیامت

مقام معنوی و عصمت حضرت زهرا (س) هرگز مایه غرور وی نشد و او را از یاد مرگ و بیم جهنم باز نداشت. یاد قبر و قیامت حتی در شب زفاف زهرا (س) او را به خود مشغول ساخته بود.  
ج. محو جمال حق

شب و روز فاطمه (س) در شناخت حق تعالی، بندگی او و تهذیب و تکامل نفس سپری می‌شد. او هر لحظه که در این وادی گامهای تازه‌تری بر می‌داشت و از کوثر زلال «معرفة الله» جرعه‌های گواراتری می‌نوشید، بیش‌تر محو جمال یار می‌شد و سراسر وجودش در تاب و تب این عشق و معرفت می‌سوخت.

فاطمه (س) در همه چیز بی‌همتا و بی‌نظیر بود. در خداشناسی نیز ماندنی نداشت. فاطمه (س) بتول نامیده شده است؛ چون نظیر ندارد. در محراب عبادت، چنان غرق عظمت خدا و محو جمال حق می‌گشت و از خود بی‌خود می‌شد که از اندیشه فرزندان و عزیزان خویش نیز با همه علاقه‌ای که به آنان داشت غافل می‌گشت. از این رو، هنگام عبادت، خداوند فرشته‌ای را مأمور می‌کرد تا گهواره فرزندان او را حرکت دهد.  
حضرت زهرا (س) با آنکه در زندگی مادی با کمبودها و مشکلات فراوانی مواجه بود، هیچ‌گاه این مسائل، او را به خود مشغول نساخت و به عنوان یک خواسته و آرزو برای وی مطرح نبود.

2- در کلام پدر و همسر

مقام معنوی و شخصیت عرفانی معصوم را جز معصوم (ع) نمی‌شناسد. از این رو، بهترین راه برای پی بردن به اوج قله ایمان و خداشناسی فاطمه (س) گوش جان سپردن به سخنان رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است.

الف. رسول خدا (ص)

پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره دختر گرامی‌اش می‌فرماید: «دخترم فاطمه (س) آنچنان خداوند، دل و تمامی وجودش را سرشار از ایمان کرده که برای طاعت خدا خود را از همه چیز فارغ ساخته است.»

«خداوند، دل و همه اعضا و جوارح دخترم فاطمه را از ایمان و یقین لبریز کرده است.»

ب. امیرالمؤمنین (ع)

نقل است که حضرت زهرا (س) در آخرین لحظات عمر شریفش و هنگام وداع با همسرش، به وی گفت: «پسر عمو! در طول عمرم هرگز به تو دروغ نگفتم، خیانت نکردم و هیچ‌گاه باتو مخالفت ننمودم»

امیرالمؤمنین (ع) چون این سخنان را شنید، در بیان مقام عرفان، نیکوکاری، تقوا و خوف از خدای آن حضرت فرمود: «پناه بر خدا مرتبه خداشناسی و نیکوکاری و تقوا و خداترسی تو بالاتر از آن است که تو را بر مخالفت خویش سرزنش کنم. جدایی از تو و فقدان برای من بسیار مشکل است؛ ولی چاره‌ای جز آن نیست!»

## درس پنجم: عبادت و بندگی خالصانه

معصومان از جمله حضرت زهرا (س) در بالاترین مرحله شناخت حق تعالی جای دارند و همین درک و شناخت عمیق، آنان را به ارتباط و انسی همیشگی با خدا و عبادتی خالصانه و مشتاقانه در پیشگاه معبود، وا می‌دارد.

### عبادت فاطمه (س) از منظر پیامبر (ص)

رسول خدا (ص) نزدیک‌ترین فرد به فاطمه (س) بود و بیش از هر کسی دیگر از سیره و زندگی او اطلاع داشت و قضاوت ایشان درباره فاطمه (س)، قضاوت وحی و واقع بینانه خواهد بود.

رسول خدا (ص) درباره ابعاد وجودی فاطمه (س) سخنان فراوانی دارد. که به بخشی از بیانات نورانی آن حضرت که مربوط به بعد عبادی دخترش فاطمه (س) است، اشاره می‌شود.

- دخترم فاطمه سرور زنان جهان، از اولین و آخرین است. او پاره وجود، نور چشم، میوه دل و روح و روان من است. او حوریه‌ای است به صورت بشر. هنگامی که در محراب خود و در پیشگاه پروردگار بزرگ و عظیم خویش به عبادت می‌ایستد، نورش برای فرشتگان آسمان می‌درخشد، انسان که نور ستارگان برای زمینیان.

- خداوند به فرشتگانش می‌گوید: ای فرشتگان من، به بنده من فاطمه بنگرید که چگونه در پیشگاه من ایستاده در حالیکه بند بند وجودش از خوف من می‌لرزد و با تمام قلبش به عبادت من روی آورده است.

- ای فرشتگان، من شما را گواه می‌گیرم که پیروان او را از آتش دوزخ ایمنی بخشم

این حدیث شریف - که هم در منابع شیعی آمده و هم در منابع معتبر اهل سنت - می‌رساند که فاطمه (س) در عبادت از چه اوج و عظمت و در پیشگاه خداوند از چه ارج و منزلتی برخوردار است تا جایی که پروردگار عالم در پرتو عبادت و بندگی خالصانه و خاشعانه وی بر ملائکه مقربش مباحثات می‌کند و به برکت وجود او، پیروانش را در آتش دوزخ نمی‌سوزاند.

### جلوه‌های عبادت حضرت فاطمه (س)

حضرت زهرا (س) زنی بود جوان و کم سنّ و سال و همچون دیگر زنان دارای خانواده و همسر و فرزندان و مسئول اداره و تربیت ایشان و حتی درگیر با کارهای جنبی‌ای دیگر، مانند اشتغال به کارهای دستی اقتصادی، هدایت و ارشاد زنان و بانوان، خدمت رسانی به محرومان و تلاش در عرصه‌های سیاسی و نظامی. با این حال، ابعاد عبادی - به معنای خاص - زندگی آن گرامی چنان گسترده و جلوه‌های پرستش و نیایشش زینت بخش صفحات تاریخ گشته که همه را به تحیر و تحسین وا داشته و از او عابده‌ای بی همتا ساخته است.

### جلوه‌هایی از عبادت فاطمه (س)

#### 1- تهجد

شب، مایه آرامش و سکون و بستر استراحت و تجدید قوای انسانها برای تلاشهای روزانه است، اما تشنگان چشمه قرب الهی به حداقل استراحت و خواب شبانه بسنده کرده و از خلوت دل شب و فراغت خود بهره جسته و پاسی از آن را به راز و نیاز با معبود خویش اختصاص می‌دهند. دل شب از جلوه‌های شیرین و به یاد ماندنی زندگی عبادی فاطمه (س) است. او پس از به خواب رفتن دیدگان مردم و فرزندان، در سجاده عبادت به نماز می‌ایستاد و



غرق در مناجات و راز و نیاز با خدا می‌شد.

فاطمه (س) آن چنان با دل شب مأنوس و به عبادت شبانه و انس با خدا خو گرفته بود که حتی شب نخست زندگی مشترک را تا صبح به عبادت سپری کرد. علی (ع) در آن شب همسرش را نگران و گریان دید. علّت را پرسید. فاطمه گفت: «در اندیشه حال خود در پایان عمر و عالم قبر فرو رفتم؛ زیرا انتقال از خانه پدر به خانه خودم مرا به یاد انتقالم به قبر انداخت. تو را به خدا قسم بیا در این لحظات آغازین زندگی به نماز بر خیزیم و امشب را به عبادت خدا بپردازیم.»

## 2-تسبیحات فاطمه (س)

از ذکرها و عبادتهای بسیار ارج‌دار و داری ثواب فراوان، تسبیحاتی است که به نام «تسبیحات فاطمه» شهرت یافته و در کتابهای معتبر شیعه و سنی نقل شده است.

نقل است که حضرت علی (ع) با مشاهده زحمات طاقت فرسای فاطمه (س) در منزل، به او پیشنهاد کرد خدمت رسول خدا (ص) برسد و برای کمک در کارهای خانه خدمتکاری درخواست کند. فاطمه (س) به حضور پدر گرامی‌اش رسید؛ ولی چون گروهی نزد آن حضرت بودند، بدون مطرح کردن موضوع، بازگشت. رسول خدا (ص) که متوجه شد فاطمه (ع) برای کاری نزد او آمده است خود سراغ فاطمه (س) رفت و از علّت آمدن او به حضورش پرسید. علی (ع) به جای فاطمه (س) مشکلات زندگی او را تشریح و خواست وی را مطرح کرد.

رسول خدا (ص) با توجه به مشکلات اقتصادی مسلمانان فرمود: «بیاپید به شما چیزی بیاموزم که از خادم و کنیز بالاتر و بهتر است و آن اینکه پیش از خوابیدن 33 بار سبحان الله و 33 بار الحمد لله و 34 بار الله اکبر بگویید.» فاطمه (س) از شنیدن این دستور خوشحال شد و سه بار فرمود: از خدا و پیامبرش راضی شدم. و در خصوص تعقیب نماز با تسبیح فاطمه (س) فرمود: فاطمه جان بعد از هر نماز 34 مرتبه الله اکبر، 33 مرتبه الحمد لله و 33 مرتبه سبحان الله می‌گویی.

## 3- نیایش فاطمه (س)

از جمله دعاهای رسیده از آن گرامی دعای معروف به «دعای نور» است که به سلمان تعلیم داد و فرمود: «مداومت بر آن موجب می‌شود هرگز دچار تب نشوی»

سلمان می‌گوید: «سوگند به خدا! آن را به بیش از هزار نفر از مردم مدینه و مکه که در بیماری تب می‌سوختند آموختم و به برکت آن، همه شفا یافتند.»

## درس ششم: اطاعت پذیری و تبعیت از مقام نبوت و امامت

به تصریح قرآن کریم، وجود مبارک رسول خدا (ص) برای مؤمنان، الگوی شایسته و «اسوه حسنه» است: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کسی که به خدا و روز رستاخیز امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند» (احزاب: 21)

وجود فاطمه (س) به عنوان پاره تن رسول خدا (ص) و نزدیک‌ترین فرد به آن حضرت، استمرار «اسوه حسنه» نبوی است و همین است رمز و راز این که سیره فاطمه (س) برای همه، حتی امامان از نسل او، حجت و الگوست.

امام مهدی (ع): «فی ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِي اسْوَةٌ حَسَنَةٌ. در دختر رسول خدا (ص) برای من الگویی شایسته وجود دارد.»

نکته در خور توجه در این بیان نورانی آنکه امام (ع) فاطمه (س) را اسوه خویش قرار داده نه از آن جهت که مادر اوست، بلکه از آن جهت که دختر رسول خدا (ص) و استمرار وجود او، استمرار وجود رسول خدا (ص) است و در حقیقت، اسوه پذیری از سیره فاطمی همان اسوه پذیری از سیره نبوی محسوب می‌شود. از جلوه‌های بارز سیره فاطمی (س) اطاعت پذیری و تبعیت ایشان از مقام نبوت و امامت است؛

1- مقام نبوت

حضرت فاطمه (س) برای انجام دادن وظیفه و کسب رضایت حق تعالی و در راستای پیشبرد و تقویت نظام نو پای اسلامی، ضمن حمایت خالصانه از بنیانگذار گرانقدر آن؛ رسول اکرم (ص)، در همه مقاطع از دستورات آن حضرت و احکام و معارف آسمانی که به وی وحی می‌شد اطاعت می‌کرد و در این اقدام ضمن آنکه خود به تکلیف عمل می‌کرد، در عمل، به همه امت درس فرمانبری از سفیر الهی را می‌آموخت. آن حضرت خود را از عمل به آنچه به پدر بزرگوارش وحی می‌شد مستثنا نمی‌دانست؛ بلکه همچون فردی از آحاد ملت، خویش را ملزم به عمل به آن می‌کرد.

حضرت زهرا (س) در برابر قوانین اسلام و امر نبوت و ولایت مطیع بود و وقتی فرمان تازه‌ای می‌رسید با تمام وجود به آن عمل می‌کرد. او به گواهی تاریخ در تمام مدت زندگی، همراه و همگام پیامبر (ص) بود و در سخت‌ترین و سهمگین‌ترین شرایط بحرانی نه تنها لب به شکوه نمی‌گشود؛ بلکه به یاری پدر می‌شتافت و بدین وسیله بار سنگین غصه‌ها و رنجها را از دوشش بر می‌داشت.

فاطمه (س) در شرایط خطیر و بحرانی دوران مکی نه تنها همه سختی‌ها را تحمل کرد و حتی یک بار از وضع موجود گلایه نکرد، بلکه همچون یک مونس و پرستار و بالاتر، یک مادر برای رسول خدا (ص) بود و با رفتار حمایتگرانه خود او را به ایستادگی در صراط مستقیم حق و سازش ناپذیری برای خواسته‌های زورگویانه کفار قریش تشویق می‌کرد.

## 2- مقام امامت

سیره دخت پیامبر (ص) در اطاعت‌پذیری از مقام امامت و ولایت همچون مقام نبوت الگوی شایسته‌ای برای پیروان آن حضرت است. او مقام امامت را مانند مقام نبوت امری الهی و انتصابی و علی (ع) را قطب و محور آن

می‌دانست: «او [علی] پیشوایی ربانی ... مرکز توجه همه عارفان و خداپرستان ... و جایگاه اصلی و محور امامت است»

اطاعت پذیری تکلیف مدارانه فاطمه (س) از مقام ولایت در همه عرصه‌های زندگی آن حضرت اعم از خانوادگی و سیاسی متجلی است. حضرت فاطمه (س) در طول مدت زندگی مشترک با امیرمؤمنان (ع) با سختیها و مشکلات اقتصادی فراوانی مواجه بود؛ خانه محقر استیجاری، عدم دسترسی به حداقل امکانات زندگی، نداشتن منبع درآمد و اشتغال مستمر همسر در محیط بیرون خانه به ویژه عرصه‌های نظامی و مأموریت‌های تبلیغی. ولی فاطمه (س) همه این مشکلات و کمبودها را تحمل کرد و خم به ابرو نیاورد و آبروی علی (ع) را حفظ کرد. در این عرصه با همه دشواریهایش نه تنها بر خلاف رضای علی (ع) گام بر نداشت و از دستور و خواست او سرپیچی نکرد که با رفتار رضایت‌مندانهاش همواره غمها و غصه‌های دل‌مولا را که در بیرون خانه متحمل شده بود، از چهره‌اش می‌زدود.

رضایت حضرت امیر (ع) از عملکرد زهرا (س) بهترین گواه بر این حقیقت است:

«سوگند به خدا، فاطمه هرگز مرا خشمگین نساخت و هیچ گاه نافرمانی نکرد و هر زمان که با او دیدار می‌کردم غمها و غصه‌ها از دلم زدوده می‌شد.»

در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز با آنکه خود معیار حق و ملاک رضایت و خشم کبریایی و صاحب نظر در مسائل سیاسی بود، ولی هرگز در این عرصه خارج از خط مشی سیاسی امیرمؤمنان (ع) و مصالح کلی امامت گام برنداشت و همواره پشت سر آن حضرت حرکت می‌کرد.

## درس هفتم: عصمت و عفت

واژه‌های «عصمت» و «عفت» با نام فاطمه (س) قرین است؛ بدین جهت بحث تفصیلی پیرامون این دو موضوع از زندگی دختر پیامبر (ص) که اسطوره عفت و تقوا است ضرورت ندارد؛ لیکن برای تکمیل مباحث مربوط به سیره تربیتی فاطمی (س) و الگوگیری از چگونگی خط مشی آن حضرت در این عرصه، به هر یک از دو موضوع به اختصار اشاره می‌کنیم.

### 1- عصمت

معصوم در لغت به معنای محفوظ و ممنوع است و در اصطلاح به فردی اطلاق می‌شود که از خطا و اشتباه و گناه، مصون و محفوظ است. چنین شخصی در پرتو بصیرت دینی، حقایق جهان را آن گونه که هست، مشاهده و به واسطه ارتباط و اتصالی که با عالم ملکوت دارد و تأییدات غیبی، از گناه و نافرمانی حق، اجتناب می‌کند و خطا و لغزش در ساحت وجودش راه نمی‌یابد.

شیعه علاوه بر اعتقاد بر عصمت پیامبران و ائمه علیهم السلام، حضرت زهرا (س) را نیز معصوم می‌داند. نطفه فاطمه (س) از غذای پاک بهشتی در صلب پیامبر (ص) و آنگاه رحم خدیجه منعقد گردید. و در رحم مادر، انیس تنهایی او بود و هنگام ولادت، ضمن شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر (ص) و امامت علی (ع) و فرزندانش با فرستادگان غیبی و حوریان بهشتی به سخن پرداخت و در طول زندگی محدودش ضمن ثبات در صراط مستقیم حق، صدها کرامت محیر العقول، نشان داد و در نهایت خداوند، آیه تطهیر را نازل فرمود:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: 33) خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

و با نزول این آیه شریفه در شأن او و همسر و فرزندانش، مقام عصمت او را برای همیشه برای امت تضمین کرد.

### 2- حیا و عفت

حیا و عفت دو نیروی درونی هستند که انسان را از ارتکاب اعمال ناشایست باز می‌دارند. این دو خصلت به اقتضای خلقت و طبیعت زنان، در وجود آنان بیش‌تر از مردان تعبیه و بر رعایت و حفظ آن توصیه شده است.

رعایت حجاب و عفاف برای زن، دستور و توصیه خداوند متعال به همه بانوان مؤمن است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب: 59) ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلیب‌های [روسی‌های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. خداوند همواره آمرزنده و رحیم است.

تشریح حجاب و رعایت حیا و عفاف برای زنان نه تنها یک ضرورت اجتماعی برای سلامت و حفظ عفت عمومی جامعه است؛ بلکه مهم‌ترین راهکار حفظ کرامت و شخصیت انسانی زنان در عرصه‌های گوناگون است. پاره وجود رسول خدا (ص) کامل‌ترین اسوه و الگوی حیا، عفت و حجاب است. او با آنکه در کنار پدر و نیز در خانه شوهر در بسیاری از صحنه‌ها حضور داشت، چه در دوران کودکی در شرایط طاقت فرسای مکه و محاصره

اقتصادی در شعب ابی طالب، چه در دوران مدنی و کشاکش جنگها و حوادث گوناگون و چه در خانه علی (ع) که محل آمد و شد فراوان اصحاب و یاران رسول خدا (ص) بود، عفاف و حجاب او در اوج قرار داشت. آنچه او عمل کرد، موضع گرفت و رعایت نمود، حجتی است برای همه زنان در جامعه اسلامی، فاطمه (س) در این عرصه همچون دیگر عرصه‌ها، میزان و محک و معیار و وسیله سنجش است.

جلوه‌های بسیار زیبا و الگو پذیری از گفتار و رفتار فاطمه (س) در عرصه حیا، عفاف و حجاب در صفحات تاریخ گزارش شده که عبارتند از؛

الف. پرهیز از همه نامحرمان

فاطمه (س) به حدی به رعایت حجاب و عفاف پایبند و آن را سر لوحه رفتار خویش قرار داده بود که خود را از همه نامحرمان، حتی مردان نابینا نیز می‌پوشانید.

ب. بهترین سیره برای زنان

علی (ع) می‌گوید: روزی در محضر رسول خدا (ص) نشسته بودیم. آن حضرت از حاضران پرسید: به من بگوئید چه روش و سیره‌ای برای زندگی بانوان بهتر است؟ ما ندانستیم چه بگوئیم و همگی پراکنده شدیم. من نزد فاطمه (س) رفتم و پرسش رسول خدا (ص) را با او در میان گذاشتم و افزودم هیچ یک از ما پاسخ آن را ندانستیم»

حضرت زهرا (س) فرمود: لیکن من پاسخ آن رامی دانم: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ اَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَهُنَّ الرَّجَالَ»؛ برای زنان بهتر است که مردان (نامحرم) را نبینند و مردان (نامحرم) نیز ایشان را نبینند.

توضیح این دو روایت معتبر که نمایانگر فرهنگ عفاف و سیره فاطمه (س) می‌باشد، ممکن است برای برخی این سؤال را ایجاد کند که چگونه چنین رفتاری می‌تواند برای دختران و زنان روزگار ما اسوه و الگوی مناسبی باشد؟ از این رو، برای فهم حقیقت مطلب توجه به نکات ذیل ضروری است.

به کارگیری کلمه «خیر» در سؤال پیامبر (ص) و نیز پاسخ حضرت زهرا (س) گویای این است که سیره یاد شده یک رجحان و مزیت است و در حقیقت حضرت زهرا (س) در مقام بیان یک روش آرمانی و ترجیحی است که تا وقتی نیاز و ضرورتی بر حضور زنان در عرصه اجتماع و ارتباط ایشان با نامحرمان، پیش نیامده است، رعایت آن بهتر و مطلوب‌تر است. و این، هرگز به معنای ممنوعیت قانونی نیست. از دیدگاه اسلام زنان می‌توانند در صورت نیاز با رعایت موازین شرعی و ارزشهای اخلاقی به عرصه‌های اجتماعی وارد شوند و به فعالیت بپردازند.

حکم بیان شده در روایت یک توصیه اخلاقی ترجیحی است و نه یک حکم تکلیفی الزامی.

احکام و مسائل اسلامی در عرصه‌های مختلفی ارائه و عرضه می‌شوند: احکام فقهی و حقوقی الزام آور و احکام ارزشی و اخلاقی. توجه به تفاوتها و مرزهای میان هر دسته، امری ضروری است.

احکام حقوقی و فقهی الزام آور - که ناظر به رفتارها و ارتباطهای اجتماعی انسان می‌باشند - قابل پیگیری‌اند و اگر از آنها تخلف شود، آن که حقیقت ضایع شده می‌تواند در مراجع قانونی شکایت کند. اما احکام ارزشی و اخلاقی - که از منظر فقهی بیشتر حکم مستحبات را دارند - ناظر به جهات حسن و کمال رفتار انسان در ارتباط با خود، خدا و خلق خدایند. این احکام هر چند الزام آور نیستند، ولی رعایت آنها در تکامل روح آدمی بسیار مؤثر

است. بیان چند نمونه از مسائل حقوقی و اخلاقی مربوط به زن، موضوع را روشن تر می کند: پرداخت مخارج ضروری زن از سوی مرد (نفقه)، یک واجب حقوقی است که در صورت تخلف مرد، زن می تواند از او به دادگاه شکایت کند؛ اما توسعه در وضعیت معاش خانواده و خرید هدیه برای اعضای آن، توصیه ای ارزشی و اخلاقی است.

تمکین زن در مقابل شوهر یک واجب حقوقی است، ولی زینت و خود آرایی وی برای شوهر یک فضیلت اخلاقی است. حجاب و پوشش مناسب برای بانوان، یک واجب شرعی است؛ اما چادر، یک ارزش اخلاقی است و... سخن حضرت زهرا (س) نیز در بیان بهترین سیره برای زنان، ناظر به فضیلت و ترجیح اخلاقی است که در صورت عدم وجود رجحان و ضرورت برخلاف آن، بهترین و مطلوب ترین سیره برای بانوان است. همین است حکمت بیان دیگر آن حضرت که: «نزدیک ترین حالت زن به پروردگارش آن زمان است که در خانه خویش می ماند (و به امور خانه و تربیت فرزند می پردازد).»

دوری زن از همه نامحرمان و قرار گرفتن در منزل - در صورت امکان و عدم وجود مرجح برای خروج و ارتباط با دیگران - باعث ایجاد و دوام آرامش لازم برای انجام وظایف زنانه و مادرانه او در عرصه خانواده و در نتیجه، بهترین زمینه ساز کمال معنوی زن در راستای قرب به خدا خواهد بود.

## درس هشتم: تعهد و مسئولیت پذیری

در قلمرو تربیت اسلامی توجه به نقش تلاشها و کوششهای انسان در دستیابی به اهداف، و کارآیی اختیار و اراده آزاد انسان در این زمینه، اهمیت فوق العاده‌ای دارد. انسانی که می‌داند نتیجه تلاشهایش عاید خود او می‌گردد، با دلگرمی به تلاش و فعالیت می‌پردازد.

از سوی دیگر، توجه به اختیارمندی آدمی، بهانه‌ها را از او سلب کرده، احساس مسئولیت را در انسان تقویت می‌نماید و او را به عنصری فعال و تلاشگر در عرصه زندگی تبدیل می‌کند.

قرآن کریم انسان را موجودی مختار و مسئول می‌خواند و سرنوشت نهایی او را در گرو تلاش و میزان مسئولیت‌پذیری وی در عرصه‌های مختلف زندگی می‌داند و به عنوان نمونه می‌فرماید:

«از آنچه بدان آگاهی نداری پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئول اند». (اسراء: 36)

زندگانی پر فراز و نشیب حضرت فاطمه (س) از آغاز تا انجام توأم با تعهد و مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های مختلف زندگی است که اینک به برخی ابعاد آن در مکه و مدینه اشاره می‌کنیم.

### 1- در مکه

حضرت فاطمه (س) از همان طفولیت همه سعی خود را در حمایت و پشتیبانی روحی و فکری از پیامبر (ص) به کار برد و در سخت‌ترین و سهمگین‌ترین دوران رسالت به یاری پدر شتافت و با گفتار و کردار مهربانانه خویش - که اوج تعهد و مسئولیت‌پذیری او را در برابر مقام رسالت به تصویر می‌کشید - غصه‌ها و رنجهای ناشی از بی‌حرمتی و آزار قریش را از دل رسول الله (ص) می‌زدود و مهربان‌تر از هر مادر به تیمار روح پدر می‌پرداخت تا جایی که پیامبر (ص) به دختر خردسال خویش «امّ ابیها» خطاب کرد و او را در جایگاه مادر خود دید؛ چرا که حضرت فاطمه (س) در آن شرایط خطیر و سهمگین برای پیامبر (ص) نقش یک مادر دلسوز و مهربان را ایفا می‌کرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیانی این رفتار و سیره فاطمه (س) نسبت به پدر را ناشی از تعهد و احساس مسئولیت او می‌داند و می‌فرماید: «فاطمه زهرا (س) مثل یک مادر، مثل یک مشاور، مثل یک پرستار برای پیامبر (ص) بوده است، آنجا بوده که گفتند فاطمه «امّ ابیها» مادر پدرش است... این احساس مسئولیت است.

آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد که نسبت به مسائل پیرامونی خودش زود احساس مسئولیت کند، زود احساس نشاط کند؟ آن سرمایه عظیم نشاطی که در وجود او هست، اینها را خرج کند، برای اینکه غبار کدورت و غم را از چهره پدری که حالا حدود مثلاً 50 سال از سنش می‌گذشته و تقریباً پیرمردی شده است، پاک کند.»

### 2- در مدینه

با هجرت رسول خدا (ص) به مدینه و شروع مرحله جدیدی از نهضت اسلامی، مسئولیت فاطمه (س) نیز سنگین‌تر و ابعاد آن گسترده‌تر شد. اقدامات حمایتی او از رسول خدا (ص) و حضورش در عرصه‌های اجتماعی و حتی نظامی، هم‌رزمی او با علی در سنگر خانواده، تلاشها و مجاهدتهای متعهدانه و بیدارگرانه او پس از رحلت پیامبر (ص) به حدی چشمگیر بود که علی (ع) با الهام از سخن رسول خدا (ص) او را یکی از دو رکن مهم در حیات اسلامی خویش معرفی کرد. علی (ع) پس از وفات حضرت زهرا (س) فرمود: این همان رکن دوم است که

رسول خدا (ص) فرمود (و من امروز آن را از دست دادم)

پیامبر (ص) رکن اول حیات علوی بود و فاطمه (س) رکن دوم آن.

فاطمه (س) در هر موقعیتی به مسئولیت الهی خویش توجه داشت و با همه توان در ایفای آن می‌کوشید. زهرا (س) در برابر همه مسائل پیرامونی خویش احساس مسئولیت می‌کرد و هرگز اشتغال به مسئولیتی او را از ایفای مسئولیت‌های دیگر باز نمی‌داشت. این گونه نبود که عبادت و مراجعاتش او را از اداره منزل باز دارد یا رسیدگی به همسر و فرزندان مانع اهتمام وی به مسائل تربیتی، سازندگی و مبارزاتی گردد.

فاطمه (س) زن است و قلمرو مسئولیت اصلی او محیط خانواده و تربیت فرزندان؛ اما زمانی که احساس می‌کند حضور او در دیگر عرصه‌ها لازم است، بدون درنگ حاضر می‌شود، همچون شرکت در برخی جنگ‌های صدر اسلام همراه با رسول خدا (ص) و انجام دادن کارهای خدماتی و امدادی مانند زخم بندی مجروحان و اصلاح ابزار جنگی و همدردی با خانواده شهیدان و رفتن به زیارت شهدا و دعا برای آنان.

همچنین حضور فعال در جبهه جهاد فرهنگی. فاطمه (س) همچون پدرش مربی اخلاق و معلم قرآن بود و عمر پر برکت خویش را در نهایت مهربانی و دلسوزی به تعلیم و تبلیغ معارف دین و تربیت دین باوران پرداخت.



## درس نهم: صبوری و بردباری

اینکه چرخ زندگی همواره و در هر شرایطی بر وفق مراد بچرخد، خواسته‌ای است ایده‌آل و به ندرت تحقق می‌پذیرد. هر انسانی به تناسب جایگاه و مسئولیت و نیز دید و نگرشی که به مسائل و رخدادها دارد، همچنین فضا و شرایطی که زندگی می‌کند با ناملايمات و دشواریهایی روبه‌رو است.

پیامبران و رهبران الهی به لحاظ مسئولیت خطیری که دارند و تهدیداتی که از سوی دشمنان کینه‌توز و سرسخت آنان متوجه ایشان است، با مصائب و دشواریهای بیشتری مواجه هستند. از این رو خداوند متعال یکی از ویژگیهای برجسته پیامبران اولوالعزم را صبر و استقامت آنان و تحمل دشواریها در راه خدا می‌داند و به پیامبر خاتم (ص) می‌فرماید: «پس صبر کن همچنان که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.» (احقاف: 35)

حضرت فاطمه (س) با مسئولیت و در جایگاه استمرار بخشی سیره پیامبر (ص) و الگودهی به جهانیان، دوشادوش رسول خدا (ص) و همسرش علی (ع) بر ترویج آیین محمدی (ص) و ستیز با هر نوع کژی و انحرافی در دین، پای می‌فشرد و در طول حیات پر برکتش، در دفاع جانانه از ارزشهای اسلامی همه توان خود را به کار گرفت. بدین جهت پس از رسول خدا (ص) با بیش‌ترین دشواریها و ناملايمات مواجه بود؛ موضع حضرت زهرا (س) در برابر دشواریهای زندگی، موضع صبوری و تحمل و برداشتن آنها از سر راه خود بود. حجم ناملايمات و فشارهای روحی که بر فاطمه (س) وارد آمد، فراتر از حد معمولی است که برای انسانهای عادی پدید می‌آید؛ اما ایشان که فراتر از انسان عادی و از اولیاء اللّه است در پرتو صبوری و بردباری کوشید تا مسائل و مشکلات را حل و هضم کند، بدون آنکه خود در آنها هضم شود. بدین رو، حضرت فاطمه (س) در این خصیصه اخلاقی نیز الگوی همه مردان و زنان حق‌جو است.

### جلوه‌های صبوری و تحمل فاطمه (س)

شکیبایی و تحمل در برابر ناملايمات، شاخه‌ها و ابعاد گوناگونی دارد: گاهی در برابر امتحان و آزمایش الهی است، زمانی در برابر بد اندیشی و نابکاری دشمنان، گاهی در برابر کج اندیشی و قصور دوستان و یاران، زمانی نیز در برابر رخدادها و ناملايمات طبیعی که در اینجا به تناسب موضوع بحث به پاره‌ای ابعاد آن در زندگی حضرت زهرا (س) اشاره می‌کنیم.

#### 1- در برابر امتحان و آزمایش الهی

فاطمه زهرا (س) در این مرحله از صبوری و بردباری که سراسر زندگی او را از آغاز تا انجام در بر می‌گیرد، باموفقیت و سرافرازی پیش رفت و مشکلات و دشواریها را که هر کدام سخت‌تر از مرحله قبل بود یکی پس از دیگری گذراند.

الف. در مکه

حضرت فاطمه (س) در دوران غربت اسلام و تنهایی پیامبر (ص) در مکه دیده به جهان گشود؛ دورانی که از دشوارترین و بحرانی‌ترین مقاطع تاریخ اسلام به شمار می‌رود. فشار مشرکان قریش بر پیامبر (ص) و یارانش لحظه به لحظه شدیدتر می‌شد. ابولهب، ام جمیل (همسر ابولهب)، حکم بن عاص، عُقْبَةُ بن ابی معیط و تعدادی دیگر از سران شرک، با شیوه‌های مختلف، پیامبر (ص) را آزار می‌دادند.

زهرا (س) در چنین محیطی متولد شد و رشد کرد. بدون شک محیط شکنجه و خفقان مکه و وضعیت بسیار خطرناک و بحرانی پدر و تازه مسلمانان در روح حساس و سرشار از عاطفه تازه مولود بیت نبوت، حضرت فاطمه (س) اثر گذار بود؛ چه آنکه بر اساس نظریه دانشمندان علوم تربیتی، محیط زندگی و رشد کودک و افکار و احساسات پدر و مادر در روحيات و شکل‌گیری شخصیت کودک، موثر است.

رخداد شعب ابی‌طالب و محاصره اقتصادی، اجتماعی پیامبر (ص) و بنی هاشم و بنی‌مطلب از سوی قریش در مدت سه سال و سختیهایی که رسول خدا (ص) و همراهان آن حضرت در این مدت متحمل شدند بر مصائب زهرا (س) افزود و او در کنار پدر و مادرش این همه دشواری و رنج را تحمل کرد و شاید در همانجا از شیر مادر باز گرفته شد و در آن درّه سوزان، راه رفتن آموخت و در میان فریادهای ناله‌ها و استغاثه‌های کودکان گرسنه، لب به سخن گشود. جز تلخیها و مرارتها، رخدادهای ناگوار دیگری نیز در دوران سیزده ساله مکه پیش آمد که روح حساس فاطمه (س) را افسرده و جوانه‌های امید را در دلش پژمرده ساخت، از آن جمله می‌توان مرگ مادرش خدیجه و عموی بزرگوار پدرش، حضرت ابوطالب؛ دویارمهربان و حامی دلسوز رسول خدا (ص) را در سال دهم بعثت نام برد.

ب. در مدینه

فاطمه (س) دوران سخت مکه را در پرتو صبر و بردباری با موفقیت سپری کرد و سه‌روز پس از هجرت رسول خدا (ص) به مدینه، همراه علی (ع) رهسپار این شهر شد. فاطمه (س) مسیر طولانی حدود 470 کیلومتری مکه - مدینه را در زیر آفتاب سوزان حجاز در حالی که از یورش غافلگیرانه قریش بیمناک بود، طی کرد و در قبا به پدر ملحق و همراه آن حضرت وارد مدینه شد و در خانه ابو ایوب انصاری سکنی گزید.

حضرت فاطمه (س) به امر خدا و موافقت پیامبر (ص) در سال دوم یا سوم هجری با علی (ع) ازدواج کرد. مسائل و مشکلاتی که پس از ازدواج و در زندگی انتخابی او و علی (ع) پدید آمد، گرچه با سنخ مشکلات و دشواریهای دوران مکی از جهاتی تفاوت داشت، اما از نظر حجم اندک نبود.

او با کسی ازدواج کرد که در تقوا و شجاعت و انسانیت و اخلاق بی نظیر بود؛ ولی در فقر و ناداری سختی به سر می‌برد. همه دارایی علی (ع) در وقت ازدواج، شمشیری بود و زرهی و شتری. صورت جهیزیه سرور زنان عالم و دختر خاتم پیامبران چنان ساده و اندک بود که زبازد خاص و عام گردید و حتی بنا به روایتی خود فاطمه هم از آن نگران شد و به پدر عرض کرد:

(پدرم!) تو می‌دانی من اهل دنیا نیستم؛ اما وقتی در این شب [عروسی] به اثاث فقیرانه‌ام می‌نگرم، نگران می‌شوم که مبادا علی بپرسد چه چیز همراه خود آورده‌ای؟! پیامبر (ص) فرمود: مطمئن باش که علی برای همیشه از این ازدواج خشنود خواهد بود.

میزان فقر علی (ع) به حدی بود که خانه در بیش‌تر روزها بی آذوقه بود. فاطمه (س) تحمل می‌کرد؛ ولی این تحمل برای مادر مهربانی که نگران وضع کودکان خویش است و هر لحظه چشمش به چهره زرد آنها بر اثر گرسنگی می‌افتد، بسیار مشکل است. فاطمه (س) برای رضای خدا تحمل کرد و برای یک بار هم وضع موجود را به رخ علی (ع) نیاورد. از سوی دیگر او ضمن سامان دادن امور درون خانه، در غیاب همسرش - که بیش‌تر اوقات

در جبهه و مأموریت‌های نظامی یا تبلیغی بود- ناگزیر از انجام دادن کارهای بیرونی بود.

2- در برابر بداندیشی و نابکاری دشمنان

از دیگر نمودهای صبوری و بردباری زهرا (س)، تحمل او در برابر کینه توزی و نابکاری دشمنان ولایت است. فاطمه (س) پس از رحلت پیامبر (ص) عمر چندانی نکرد؛ ولی در همین مدت کوتاه دو- سه ماهه به اندازه تمام دوران گذشته حیات خود، رنج و محنت کشید.

مرگ پدر، تشکیل سقیفه برای خلیفه آفرینی، بردن علی (ع) با آن کیفیت به مسجد برای بیعت، هجوم به خانه ولایت، ضرب و شتم، سقط جنین، غصب فدک، پیدایی اختلاف در میان امت، استقرار حکومت غیرمنصوص، بر کناری و خانه نشینی خلیفه منصوص پیامبر (ص) و دهها رخداد دیگر، همه حوادث ناگواری بودند که اگر نبود ظرفیت بالای روحی فاطمه (س) و تحمل و صبوری او، معلوم نبود بر سراسلام و مسلمانان چه می‌آمد.

3- در برابر کج اندیشی و قصور دوستان

بدون شک رخداد سقیفه یک انحراف و بلکه توطئه بود و همه مسلمانان به ویژه دوستان اهل بیت (ع) و خواصّ یاران به عنوان یک تکلیف الهی موظّف بودند در برابر این انحراف و توطئه بایستند و از امام زمان خویش دفاع کنند.

اگر مسلمانان، به ویژه خواصّ طرفدار حق به وظیفه دینی خود عمل می‌کردند، گروهی قدرت طلب این چنین گستاخانه به حریم ولایت تجاوز نمی‌کردند. دوستان نه تنها به موقع به تکلیف الهی خویش عمل نکردند، بلکه وقتی دختر پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) برای یاری خواهی، شبانه به در خانه آنان می‌رفتند، عذر می‌آوردند که کار بیعت ما با فلانی تمام شده و چنانچه شما پیش از او از ما بیعت می‌خواستید، ما اجابت می‌کردیم. حضرت فاطمه (س) در برابر این نامهربانیها و بی وفاییها چاره‌ای جز صبر و بردباری نداشت؛ همان شیوه‌ای که همسرش علی (ع) در پیش گرفته بود.

صبر و تحمل فاطمه (س) نقش بسزایی در پیشرفت و دوام اسلام و جلوگیری از فروپاشی جامعه اسلامی داشت. او با صبر و تحملش فرزندان تربیت کرد که هر کدام با بارور کردن این خصلت برجسته در وجود خویش، کوهی از شکیبایی را به نمایش گذاشتند.

صبر اگر در زندگی امام حسن، امام حسین و حضرت زینب- علیهم السلام- آن گونه زیبا و وصف ناشدنی تجلی یافت، اثر تربیت زهرا (س) است.

## درس دهم: زهد و ساده زیستی

زهد در اصل به معنای اعراض از چیزی برای ناپیچ و کوچک بودن آن است. «زهید» یعنی چیز اندک و «زاهد» یعنی کسی که نسبت به چیزی بی میل است و به «زهید» یعنی کم آن بسنده کرده است.

فاطمه (س) به عنوان دختر رسول خدا (ص)؛ پیشوای مسلمانان، همسر امیرمؤمنان (ع)؛ حجت زمان و خود نیز به عنوان معصوم و حجت خدا، زهد و ساده زیستی را برگزید. این منش و روش در همه ابعاد زندگی او متجلی بود. در خانه پدر، در مهر و جهیزیه اندک، در خانه ساده همسر، در بخشش لباس عروسی و گلوبند با برکت؛ همان که گرسنه‌ای را سیر کرد، برهنه‌ای را پوشاند، فقیری را بی نیاز ساخت و بنده‌ای را آزاد کرد؛ در چشمان به گودی نشسته‌اش بر اثر گرسنگی، در دستان پینه بسته‌اش و در لباسهای غبار آلودش. در ادامه درس با نمونه‌های عینی زهد در زندگی دختر پیامبر (ص) آشنا می‌شویم.

### 1- بی رغبتی به دنیا

در زهد زهرا (س) همین بس که همچون همسرش علی (ع) به آسانی از دنیا گذشت و به همه مظاهر آن پشت کرد و بر سر قرب حق تعالی و رضوان او و زندگی جاوید آخرت، دنیا را سه طلاقه نمود. آنچه برای زهرا (س) ارزشمند است، انس با حق و ارتباط با معبود است. از این رو، وقتی پیامبر (ص) دعایی به او می‌آموزد، رضایت و تشکر خود را چنین اعلام می‌کند:

### 2- ساده پوشی

لباس، این نعمت الهی، علاوه بر پوشانیدن تن و مستور ساختن زشتیهای بدن آدمی، عامل زیبایی و زینت انسان است که اندام او را زیباتر از آنچه هست نشان می‌دهد.

پوشیدن لباس در این حد امری لازم و مطلوب شارع مقدس است که قرآن هم بدان اشاره کرده است. متأسفانه نزد بسیاری کسان به ویژه در عصر ما- که لباسهای رنگارنگ و متنوع به بازار آمده- جنبه‌های فرعی و حتی نامطلوب و زننده لباس به قدری گسترش یافته که فلسفه اصلی لباس را تحت الشعاع قرار داده است. لباس، ابزاری شده است برای انواع تجمل پرستی، گسترش فساد، تحریک شهوت، خود نمایی و تکبر و اسراف. مد پرستی در لباس در عصر حاضر تبدیل به آفتی خانمان سوز شده که نه تنها ثروت‌های کلانی را به کام خود فرو برده که بخش مهمی از سرمایه نیروی انسانی جامعه و فرصت‌های ارزشمند را نیز بر باد داده است.

از مطالعه سیره پیشوایان دینی به ویژه معصومان علیهم السلام چنین استفاده می‌شود که آنان با مسئله تجمل پرستی در لباس سخت مخالف بوده‌اند. سیره رفتاری مادر امامان، حضرت زهرا (س) بهترین گواه این موضوع است. فاطمه (س) در پوشیدن لباس چنان زهد می‌ورزید که حتی یاران نزدیک رسول خدا (ص) تعجب می‌کردند.

### 3- سادگی زندگی

از دیگر جلوه‌های عملی زهد حضرت زهرا (س)، زندگی ساده و دور از تجملات آن حضرت است. که از شاخصه‌های بارز زندگی حضرت بود که از مرتب‌ترین شایسته خویش، رسول اکرم (ص) به ارث برده بود.

زندگی ساده و بی پیرایه فاطمه (س) در جامعه‌ای که غرق در سنتهای موهوم و افتخارات واهی و تشریفات پوچ بود، راهی نو پیشاروی زنان جامعه نهاد.

حضرت فاطمه (س) ساده زیستی را یک اصل قرار داد تا بدین وسیله به همگان پیام دهد که بین دختران رهبران الهی و کسرها و قیصرها هیچ گونه سختی وجود ندارد و این درس بزرگی است که همه انسانها به خصوص زنان، باید از سیره آن حضرت بیاموزند و آن را سرمشق زندگی خود کنند.

#### 4- تحمل گرسنگی

هر روز که بر حیات جامعه اسلامی در مدینه می‌گذشت، اوضاع اقتصادی به نفع مسلمانان تغییر می‌کرد. به تدریج وضع مالی مسلمانان تنگدست هم سرو سامان گرفت و غنیمت‌های جنگی، مختصر گشایشی در کارها پدید آورد؛ اما خانه ولایت همچنان تهی و بی پیرایه و ساکنان آن تنگدست بودند. از همه اینها که بگذریم فرق نکردن وضعیت زندگی زهرا (س) در قبل و بعد از بخشش فدک به او، بهترین گواه بر زهد و ساده زیستی او است.

## درس یازدهم: ادب، وقار و مهربانی

ادب، وقار و مهربانی از صفات بارز و پسندیده اخلاقی به شمار می‌روند که در حوزه اخلاق اجتماعی و در بعد روابط انسان با دیگران و حوادث و رخدادهای پیرامونی خود در گفتار و رفتار فردی تجلی می‌یابند و نشانه کمال و آراستگی انسان‌اند.

حضرت فاطمه (س) در تخلق به اخلاق در اوج قرار داشت. ادب او در برابر ذات حق تعالی، وجود مبارک پیامبر (ص)، همسر گرانقدرش علی (ع)، برخورد متواضعانه و مهربانانه با مردم به ویژه شیعیان و آرامش و وقار او در برابر رخدادهای ناگوار و ناملایمات، چنان محسوس بود که هر کس در همان نگاه اول مجذوب او می‌شد. و این همه، محصول تربیت الهی است که خدا خود به تربیت اینان پرداخته است.

آنان در پرتو تربیت الهی شایستگی مربیگری انسانها را پیدا کردند و همگان باید در مکتب تربیتی ایشان درس ادب و اخلاق بیاموزند، آن چنان که علی (ع) فرمود: «ما تربیت یافته پروردگاران هستیم و مردم پس از آن تربیت یافته ما هستند.»

در ادامه درس به جلوه‌های رفتاری ادب، وقار و مهربانی حضرت زهرا (س) اشاره می‌کنیم.

1- در برابر معبود: ادب عبادی حضرت زهرا (س) ایجاب می‌کرد که در محراب عبادت با همه وجود در پیشگاه معبود خویش بایستد و غرق در عظمت او گردد و از خود بی خود شود، چنان که رسول خدا (ص) بر این حال دختر خویش گواهی داده است.

در بعد کمی نیز ادب بندگی ایجاب می‌کرد شب و روز زهرا (س) صرف عبادت گردد و چنان برای نماز بر پای خود بایستد که پاهای مبارکش به رنج و درد افتد.

2- در برابر رسول الله (ص): در چشم و دل زهرا (س) هیچ کس به اندازه رسول الله (ص) جا نداشت. بدین جهت رفتار وی در برابر پدر رفتاری ویژه و بسیار مؤدبانه بود. آن گاه که رسول الله (ص) پیش فاطمه (س) می‌آمد، تمام قد می‌ایستاد و مشتاقانه به استقبال پدر می‌شتافت و بر دست او بوسه می‌زد و عبا از دوشش گرفته، نعلین او را به کنار می‌گذاشت و آن گاه آن حضرت را در جای خویش می‌نشاند و خود، مؤدب پیش رویش می‌نشست و هرگاه پدر او را صدا می‌کرد، ندایش را با «لبیک، لبیک» پاسخ می‌داد.

3- در برابر همسر: زهرا (س) برای همسرش احترامی خاصّ قائل بود و با وی در همه زمینه‌ها برخوردی مؤدبانه و مهربانانه داشت. او از علی (ع) با کنیه «ابوالحسن» یاد می‌کرد و خطاب به او می‌گفت: روح و جانم فدای تو باد ای ابوالحسن.

او هرگز بر خلاف خواسته علی (ع) گام بر نداشت و همواره مطیع او بود. آنجا که علی (ع) به اصرار شیخین از او خواست تا اجازه دهد آن دو به عیادت او بیایند، به رغم ناخشنودی از ایشان گفت: «خانه خانه تو است و زن نیز همسر و در اختیار تو.»

زهرا (س) مشکلات زندگی را تحمل و آنها را از علی (ع) پنهان می‌کرد تا او را نیازارد. او هرگز از علی (ع) چیزی نخواست که نکند قدرت بر تهیه آن نداشته باشد و خود می‌فرمود: «من از خدا شرم دارم که به تو چیزی را که قدرتش را نداری تحمیل کنم.»

حضرت فاطمه (س) در طول مدت زندگی با امیرمؤمنان (ع)، هرگز حریم آن حضرت را نادیده نگرفت و در تکریم شخصیت آن بزرگوار کوتاهی نکرد تا جایی که حضرت علی (ع) در این باره فرمود: «سوگند به خدا! نه من [در زندگی مشترکمان] فاطمه را به خشم آوردم و نه او مرا به خشم آورد و نافرمانی کرد».

3- با زبردستان: حضرت فاطمه (س) با همه مقام و منزلتی که داشت کارهای خانه را خود انجام می‌داد و تا مدت‌ها خدمتکار نداشت. زمانی هم که به دستور پیامبر (ص) فضّه افتخار خدمتکاری آن حضرت را پیدا کرد، باز نیمی از کارهای خانه را خود آن گرامی انجام می‌داد.

5- با مؤمنان: زهرا (س) محبت به مؤمنان و شیعیان را از پدر خود به ارث برده بود؛ زیباترین شیوه رفتار با مؤمنان در عمل فاطمه (س) تجلی داشت. ایشان در حساس‌ترین لحظات خلوت با معبود، مؤمنان را بر خود مقدم می‌داشت و در مناجاتهای شبانه برای آنان دعا می‌کرد و زمانی که فرزندش حسن (ع) از علت تقدم مؤمنان بر خود در دعا پرسید، فرمود: «الجار ثم الدار». نمونه بارز دیگر از رفتار مهربانانه و دلسوزانه زهرا (س) نسبت به شیعیان، جریان مهر آن حضرت است. وی پس از آگاهی از مقدار درهم و دیناری که مهر آن گرامی قرار گرفته بود، خطاب به پیامبر (ص) گفت: «ای رسول خدا! دختران مردم در ازدواج خود، درهمها را مهر خود قرار می‌دهند، پس فرق بین من و آنان چیست؟ از تو می‌خواهم درهم و دینار را مهر من قرار ندهی، بلکه از خدا بخواهی تا مهر من، شفاعت از گنهکاران امت تو باشد»

6- در برابر سختیها: سنگینی و متانت در برابر گرفتاریها و حوادث تکان دهنده و فتنه‌های روزگار در چندین روایت از ویژگیهای مؤمنان دانسته شده است.

فاطمه (س) در سختی متولد شد، در دامن سختیها رشد کرد و در طول زندگی‌اش در برابر سختیها پایداری نمود و سرانجام، روح بلند و مقاومش از درون سختیها و دریای غمها و رنجها به آسمان قرب الهی و بهشت رضوان حق پرواز کرد. او حقیقتاً مصداق کامل حدیث یاد شده بود و با سرمایه وقار و ثبات و صبوری به ستیز ناملايمات و مشکلات و مصائب برخاست.

## درس دوازدهم: ایثار و انفاق

واژه «ایثار» در اصل به معنای ترجیح یک چیز بر چیزی دیگر و در اصطلاح، مقدم داشتن دیگران بر خود در جلب منفعت و دفع ضرر است. «انفاق» از ریشه «نفق» به معنای خروج و تمام شدن است و بخشش مال را از آن جهت انفاق گویند که شخص، مال را بدان وسیله از تملک خویش خارج می‌کند. در اصطلاح عبارت است از خرج کردن مال در راه خدا؛ اعم از واجب و مستحب. دو خصلت پسندیده انفاق و ایثار از فضائل اخلاقی به شمار می‌روند و متخلف به این دو صفت، یعنی ایثارگران و انفاق‌کنندگان در آیات و روایات مورد تمجید قرار گرفته‌اند.

اهل بیت عصمت و طهارت با تأسی به سیره نبوی (ص) مختصر امکانات مالی و درآمد روزمره زندگی خویش را به نیازمندان می‌دادند و توده‌های مردم را بر خود مقدم می‌داشتند. در این میان حضرت زهرا (س) در اوج قرار داشت. سرتاسر زندگی او تبلور ایثار بود. او هیچ گاه حتی در سخت‌ترین شرایط، نیازمندی را از درگاه خویش نراند سختی زندگی و گرسنگی کودکان خویش را تحمل کرد، لیکن بازگشت مأیوسانه درماندگان را هرگز. انفاق و ایثار در همه ابعادش در وجود فاطمه (س) به صورت ملکه‌ای در آمده بود که در تمامی زوایای زندگی‌اش تبلور داشت. اینک در ادامه درس به جلوه‌هایی از انفاق و ایثار خدا پسندانه فاطمه (س) اشاره می‌کنیم.

### درآمد فدک

فدک قریه‌ای بود در فاصله حدود 140 کیلومتری مدینه با چشمه‌ای جوشان و نخلهای فراوان که درختان خرماي آن با کلّ درختان خرماي شهر کوفه در قرن ششم برابری می‌کرد این روستای سرسبز در سال، درآمدی بین 24 تا 40 هزار دینار داشت. شاید این اختلاف ناشی از تفاوت درآمد سالانه آن بوده است.

فدک متعلق به یهودیان بود که طی قرار داد صلحی به رسول الله (ص) واگذار شد و چون خالصه رسول خدا (ص) بود. در اختیار آن حضرت قرار گرفت و او در حیات خود فدک را به بانوی اسلام حضرت فاطمه (س) بخشید. حضرت زهرا (س) هر ساله تنها به اندازه قوت خود از درآمد فدک بر می‌داشت و بقیه را بین نیازمندان تقسیم می‌کرد. این شیوه تا زمان رحلت پیامبر (ص) ادامه داشت.

وصیت به انفاق:

حضرت فاطمه (س) پیش از شهادت به علی (ع) وصیت کرد که بخشی از اموال وی را بین همسران پیامبر (ص) و زنان بنی هاشم و امامه دختر ابوالعاص تقسیم کند. بنابر نقلی دیگر، وی با مال خود بر بنی هاشم و بنی عبدالمطلب انفاق می‌کرد.

ایثار در شب عروسی:

شب ازدواج برای هر عروس و دامادی خاطره‌آمیز، و زیبایی و آراستگی عروس در چنین شبی در افکار و علاقه آینده داماد اثرگذار است و به عنوان پایه و اساس زندگی مشترک آنان به حساب می‌آید؛ ولی فاطمه (س) با آگاهی از همه این حساسیتها، پیراهن عروسی‌اش را به سائل بخشید و با پیراهن دیگری آن شب را گذراند.

گردنبند با برکت:



بعد از نماز عصر پیرمردی به رسول خدا (ص) مراجعه و عرض کرد: «یا رسول الله! گرسنه‌ام، سیرم کن؛ عریانم، بپوشان؛ فقیرم، کمکم کن.»

پیامبر (ص) فرمود: «من چیزی که به تو بدهم در اختیار ندارم؛ ولی راهنمایی کننده بر خیر همچون انجام دهنده آن است. برو به منزل کسی که خدا و پیامبر را دوست دارد، خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند؛ کسی که رضای خدا را بر خواسته خویش مقدم می‌دارد، هم اکنون برو سراغ خانه فاطمه»

عرب، همراه بلال به خانه فاطمه (س) رفت. بعد از سلام و ستایش اهل بیت، وضع خود و موضوع دیدار با پیامبر (ص) را به اطلاع وی رسانید. حضرت زهرا (س) نخست، پوستی را که حسن و حسین (ع) بر آن می‌خوابیدند به عرب داد؛ ولی او نپذیرفت و گفت: «من از گرسنگی نزد تو شکایت می‌برم و تو پوست گوسفند به من می‌دهی!» فاطمه (س) وقتی این سخن را از او شنید، گردنبندی را که یادگار و هدیه دختر عمویش فرزند حمزه سیدالشهداء بود، به مرد عرب داد و فرمود: «بگیر، آن را بفروش. امید است مشکل تو با آن حل شود.» مرد عرب گردنبند را گرفت و شادمان نزد پیامبر (ص) به مسجد رفت و پس از سخنانی سرانجام، عمار یاسر آنرا به 20 دینار و 200 درهم، یک دست لباس و یک رأس مرکب خرید و اعرابی، خوشحال از محضر پیامبر (ص) مرخص شد.

عمار گردنبند را به خانه آورد و آن را با مشک معطر ساخت و در برد یمانی گذاشت و تحویل غلامش داد و گفت: «این گردنبند را به پیامبر (ص) بده، تو را نیز به آن حضرت بخشیدم.» غلام حضور پیامبر (ص) رسید و جریان را به عرض آن گرامی رسانید. پیامبر (ص) نیز فرمود: «گردنبند را نزد فاطمه ببر و تو را به او بخشیدم.» غلام نزد فاطمه (س) آمد و موضوع را به عرض وی رسانید. فاطمه (س) گردنبند را گرفت و غلام را در راه خدا آزاد کرد. غلام از این رخداد خندید و گفت: «چه گردنبند با برکتی! گرسنه‌ای را سیر کرد، عریانی را پوشانید، فقیری را بی نیاز ساخت، برده‌ای را آزاد کرد و سرانجام به صاحب اصلی اش بازگشت.»

ایثار فقط برای خدا

شأن نزول سوره «دهر» را همه شنیده‌ایم. خلاصه آن چنین است: امام حسن و امام حسین (ع) مریض می‌شوند. پیامبر (ص) به عیادت آنان می‌رود و به حضرت امیر (ع) پیشنهاد می‌کند برای شفای فزندانیشان نذر کنند روزه بگیرند. بچه‌ها شفا می‌یابند. والدین آنها به نذر خویش، یعنی گرفتن سه روز روزه وفا می‌کنند. فضا و حسنین نیز علی و زهرا (علیهما السلام) را در این امر همراهی می‌نمایند.

با زحمت و رنج فراوان یک صاع (حدود سه کیلو) جو تهیه و پنج قرص نان جوین برای افطار آماده می‌گردد. هنگام افطار مسکینی در خانه امیر را می‌کوبد. علی (ع) در دادن سهم نان خود به سائل پیشقدم می‌شود، بقیه نیز به او تاسی می‌کنند و بدین ترتیب، روز نخست را با آب افطار می‌نمایند. روز دوم و سوم نیز به همین منوال می‌گذرد و افطاری آماده شده به یتیم و اسیر داده می‌شود و بدین ترتیب نذر ادا می‌گردد.

امیر مؤمنان (ع) حسن و حسین - علیهما السلام - را در حالی که بسیار گرسنه بودند، نزد رسول خدا (ص) برد. پیامبر (ص) چون چشمش به آنان افتاد، بسیار متأثر شد. سپس همراه آنان به خانه فاطمه (س) آمد. او را در محراب عبادت یافتند؛ در حالی که آثار گرسنگی در چهره‌اش نمایان و چشمهایش به گودی فرو رفته بود. پیامبر

(ص) چون دخترش را بدین وضع دید، او را به سینه چسبانید و فرمود: «شما سه روز است که چنین هستید؟!»  
جبرئیل نازل شد و آیات سوره دهر را فرود آورد:

آنان به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می‌ترسند، و غذای خود را با آنکه به آن  
علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند. [و می‌گویند:] ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و  
هیچ پاداشی و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. ما از پروردگاران خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است.  
(دهر: 7-10)

ایثار در پذیرایی از مهمان:

روزی عربی مستمند خدمت رسول الله (ص) رسید و از رنج گرسنگی به حضرتش شکوه کرد. حضرت پیکی نزد  
همسرانش فرستاد و از ایشان در خواست طعام کرد؛ ولی همگی گفتند که ما جز آب چیزی برای خوردن  
نداریم. پیامبر (ص) خطاب به مسلمانان فرمود: «چه کسی این مرد را امشب میهمان می‌کند؟ علی (ع) اظهار  
آمادگی کرد و عرب را به خانه آورد و از فاطمه (س) در این باره کمک خواست.  
زهر (س) گفت: «ما طعامی جز به اندازه خوراک کودکانمان نداریم؛ ولی میهمان را بر فرزند خود مقدم  
می‌داریم.»

فاطمه (س) با توافق امیرمؤمنان (ع) فرزندان را گرسنه خوابانید و چراغ را خاموش کرد و در تاریکی از میهمان  
پذیرایی نمودند. علی (ع) با تکان دادن و زیر و رو کردن زبان خود در تاریکی به میهمان چنین وانمود می‌کرد  
که او نیز طعام می‌خورد تا میهمان خجالت نکشد. وقتی میهمان دست از غذا کشید و فاطمه (س) چراغ را آورد،  
دیدند کاسه از فضل الهی پر از غذا است.

روز بعد پس از نماز صبح پیامبر (ص) با دیدن علی (ع) به شدت گریست و فرمود: «ای امیر مؤمنان! پروردگار از  
مهمان نوازی دیشب شما تعجب کرده است؛

انفاق و ایثار حضرت فاطمه (س) به موارد یاد شده محدود نمی‌شود. ایثار وی در حق همسرش علی (ع)، نسبت  
به فرزندان، نسبت به وجود مبارک رسول خدا (ص)، در حق همسایگان، نسبت به خدمتکار و ... همه،  
جلوه‌های ایثار این ایثارگر مخلص و بی نظیر است که صفحات تاریخ را زینت بخشیده و ما به جهت رعایت  
اختصار از ذکر آنها صرف نظر کردیم.

## درس سیزدهم: حق طلبی، ظلم ستیزی و آگاهی بخشی

عمر تقابل حق و باطل با عمر انسان در این کره خاکی گره خورده است. وظیفه انسانها در این تقابل، ایستادگی در کنار حق و مبارزه با باطل و ستم است. نمی‌توان نسبت به جریان حق و باطل بی تفاوت بود. در مکتبهای الهی همه انبیا، اوصیا و امامان با باطل - در همه چهره هایش چه در زمینه افکار و عقاید، چه در بعد رفتاری و اخلاقی و چه در محور اجتماعی و حکومتی - به ستیز برخاسته و در این پیکار مقدس همواره در صف مقدم قرار داشته‌اند.

سنت الهی نیز بر این است که با نیروی حق، باطل را نابود کند: «بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را نابود سازد و این گونه، باطل محو و نابود می‌شود» (انبیاء: 18)

بنابراین، شرط اساسی تحقق این سنت الهی و پیروزی جریان حق بر باطل، وجود نیروهای حق طلب در هر زمان است. طرفداری از باطل یا سکوت و بی طرفی نسبت به این مسئله مهم، تضعیف جبهه حق و تقویت ظلم است. در جریان نبرد صقیین که مصداق روشن و بی‌ابهام درگیری حق و باطل بود، عده‌ای به بهانه اینکه در «فتنه» نباید وارد شد، به یاری جبهه حق نشتافتند تا به زعم خودشان دستشان به خونی آلوده نشود! امیر مؤمنان (ع) آنان را نکوهش کرد و فرمود: حق را خوار کردند و باطل را یاری نکردند.

آگاهی بخشی جامعه نسبت به آنچه در آن می‌گذرد و روشن ساختن اذهان و افکار نسبت به واقعیات و افشای توطئه‌ها و جنایات دشمن (تا آنچه اتفاق افتاده در پس پرده، کتمان نشود و به صورت تحریف شده به دیگران منتقل نگردد) نقش اساسی در پاسداشت حق و جلب افکار بدان سمت دارد و جلو تحریفها و کتمانها و سوء برداشتها را می‌گیرد، و در مرحله عملی با حمایت جدی و همه جانبه از حق و ایستادگی در برابر باطل و بسیج مردم علیه آن، حق راه استوار خود را می‌پیماید و باطل نابود می‌گردد. بدین جهت امام حسین (ع) یکی از زمینه‌های قیام خود را به فراموشی سپرده شدن حق و گسترش باطل در سطح جامعه مطرح کرده، می‌فرماید: مگر نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌گردد.

حضرت زهرا (س) به عنوان دست پرورده رسول خدا (ص) و آگاه به مسائل جامعه و متعهد به ارزشهای اسلامی، پرچم حق طلبی و باطل ستیزی را بر دوش گرفت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نوزید، عرصه دفاع از حق در قالب رسالت پیامبر (ص) و امامت و ولایت امیر مؤمنان (ع) در زندگی فاطمه (س) از برجسته‌ترین، بارزترین و افتخارآمیزترین عرصه‌هایی است که در گفتار و رفتار دختر پیامبر (ص) در هر دو بعد نظری و عملی متجلی است، تا جایی که در فرهنگ شیعیان، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، صدیقه طاهره (س) به عنوان حامی و فدایی ولایت لقب گرفته است؛ چرا که او در دوره کوتاه زندگی خویش پس از رحلت پیامبر (ص) زیباترین جلوه پاسداری از حریم حق و ولایت را به تصویر کشید؛ جلوه‌ای که جز در آینه وجود زهرا (س) حتی امیر مؤمنان (ع) نمی‌توان یافت. اگر مجاهدتها و خطبه‌های هدایتگرانه زهرا (س) نبود امروز بسیاری باور نمی‌کردند که حق با علی (ع) بوده است؛ چرا که کینه‌ها، نفاقها، سیاست بازیها، تبلیغها و تحریفها دست به دست هم داده و جبهه حق را چنان به انزوا کشانده بود که اجازه نمی‌داد فریاد حق جویی علی (ع) به گوش نسلهای آینده برسد. آگاهی بخشی الهی زهرا (س) به امت اسلامی چنان شفاف و گویا بود که برای هیچ کس جای عذر باقی نگذاشت.

فاطمه (س) مردم عصر خویش را خوب می‌شناخت و می‌دانست آن مسلمان نمایان دین به دنیا فروخته گوش شنوا برای شنیدن سخنان او و جسارت قیام همراه او را ندارند؛ اما می‌خواست برای آیندگان، چهره باطل و ضلالت را رسوا، حقیقت را بر ملا و حجت را تمام کند:

من آنچه را باید بگویم با شما گفتم، با آنکه می‌دانم خواری با وجودتان سرشته و نیرنگ و عهد شکنی بر دلهایتان چیره گشته است؛ لیکن این شکوه‌ها جوششی از اندوه نفس و تسکینی بر فوران خشم و گشایشی بر آلام درون و خروشی بر تنگی دل و در نهایت، اتمام حجتی بر شما است.

اکنون این شما و این مرکب خلافت. بر شما ارزانی باد! به آن محکم بچسبید و رها نکنید؛ اما بدانید پشتش زخم، کف پایش شکافته و لنگ است. داغ ننگ بر آن خورده و نشان خشم الهی و رسوایی ابدی همراه آن است و شما را آسوده نگذارد تا به آتش بر افروخته خشم الهی در اندازد؛ آتشی که هر دم فروزد و دل و جان را بسوزد.

فراموش نکنید آنچه را انجام می‌دهید در محضر خدا است. آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجا است. منم فرزند آن پیامبر نذیر که بیم می‌داد شما را از آنچه پیش رو دارید از عذاب شدید. پس هر چه می‌خواهید بکنید، ما هم به تکلیف خویش عمل می‌کنیم و انتظار بکشید، ما نیز انتظار می‌کشیم.

گوشه‌هایی از مبارزات حق طلبانه و اقدامات روشنگرانه و آگاهی بخش حضرت زهرا (س) پس از رحلت پیامبر (ص) عبارتند از؛

#### 1- دفاع از حریم ولایت

علی (ع) و اهل بیت مشغول تجهیز پیامبر (ص) بودند که عده‌ای در سقیفه اجتماع کرده و در غیاب خاندان و نزدیکان رسول خدا (ص) ابوبکر را به عنوان خلیفه برگزیدند و پیشگویی پیامبر (ص) که به علی (ع) فرموده بود: امت، بعد از من به تو نیرنگ خواهند زد» محقق شد.

اینجا بود که رسالت تاریخی فاطمه (س) آغاز شد؛ زیرا رسول خدا (ص) او را ملاک حق و باطل معرفی کرده و رضایت فاطمه (س) را رضایت خدا و خشم او را خشم خدادانسته است. فاطمه (س) در هر جبهه‌ای قرار بگیرد حقانیت آن را ثابت می‌کند و ناخشنودی وی از جناحی دیگر، بیانگر بطلان آن جناح است. از این رو، دختر رسول خدا (ص) لازم دید موضع خود را در قبال رخدادهای جدید روشن کند تا حق از باطل شناخته و حجت بر مردم تمام شود.

رسالتی که فاطمه (س) در این مقطع از تاریخ ایفا کرد، از کسی جز او حتی امیر مؤمنان (ع) ساخته نبود؛ زیرا علی (ع) در رأس جبهه حق قرار داشت و خود مدعی جانشینی پیامبر (ص) بود و مدعی نمی‌تواند شاهد باشد. علاوه بر آنکه سوابق درخشان و مواضع قاطعانه علی (ع) در ریشه کن کردن کفر و ستیز با کافران و مستکبران، کینه‌ای دیرینه از وی بر دل‌های بازماندگان و وارثان اندیشه آنان، نهاده بود که زدودن آن کار آسانی نبود. روی این جهات پرچمدار مبارزه با توطئه‌گران باید فردی باشد که در عین محور بودن وجود او برای حق و باطل، بر روی هیچ کس شمشیر نکشیده و با هیچ فرد از در ستیز در نیایوخته باشد و در عین حال محبوب‌ترین و نزدیک‌ترین فرد به پیامبر (ص) باشد و چنین شخصی جز فاطمه (س) نبود. اقدامات فاطمه (س) در این محور عبارت است از:

الف. آگاهی بخشی و هشدار: سقیفه سنگ بنای بدعت و انحرافی شد که می‌توان دیگر بدعتها و انحرافات پدید آمده در تاریخ اسلام را ناشی از آن دانست. بدعتها و مفسادی که پاره تن مصطفی (ص) نسبت به پیدایی آنها به امت اسلامی هشدار داد:

«به جان خودم سوگند! نطفه فساد بسته شد. باید در انتظار به ثمر نشستن این بذر شوم بود. از این پس از شتر [خلافت] به جای شیر، قدحی پر از خون و زهر کشنده بدوشید. این جا است که باطل پیشگان زیان می‌کنند و آیندگان، فرجام آنچه را پیشینیان سنت نهادند، در می‌یابند.

از این پس با رضایت خاطر و اطمینان، خود را آماده فتنه و آشوب کنید. بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و برآن! و به حمله و تهاجمهای پی در پی ستمکاران و به هم ریخته شدن امور اجتماعی همگان و به استبداد و دیکتاتوری از سوی ظالمان! آنان که غنائم و حقوق شما را اندک پرداخت می‌کنند و محصولات کشاورزی را خود درو می‌نمایند. پس حسرت و اندوه بر شما، کارتان به کجا خواهد انجامید؟ دریغا که امر روشن بر شما مخفی مانده است آیا ما می‌توانیم شما را به کاری که آنرا خوش ندارید مجبور سازیم؟

ب. فراخوانی خواص: حضرت زهرا (س) در گام عملی دیگر به سراغ خواص از مهاجر و انصار رفت و با سخنان هشدار دهنده و یادآوری رخدادها و خطرات دوران حیات رسول خدا (ص) سعی کرد وجدانهای خفته آنان را بیدار کند. آن گرامی همراه حضرت علی (ع) و فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهما السلام شبانه به منازل و مجالس انصار و مهاجران می‌رفت و آنانرا به مبارزه با باطل و جانبداری از جبهه حق دعوت می‌کرد و می‌فرمود:

«ای مهاجران و انصار! خدا را یاری کنید. من دختر پیامبر شما هستم و شما با رسول خدا (ص) بیعت کردید که از او و فرزندان او در برابر یورش دشمنان دفاع کنید، همان گونه که از خود و فرزندان خود دفاع می‌کنید. پس بر سر پیمان با رسول خدا (ص) استوار بمانید. و زمانی که برای عذر تقصیر نزد آن حضرت آمده و گفتند: «اگر ابوالحسن هم زودتر آمده بود با او بیعت می‌کردیم.» بر آشفت و بر سرشان فریاد بر آورد: از نزد من بروید! دیگر، پس از کوتاهی کردن و عذر تراشیهای دروغین، عذری پذیرفته نمی‌شود و پس از کوتاهی و بی تفاوتی، امری وجود نخواهد داشت.» پیش از آن هم گفته بود: «هَلْ تَرَكَ ابِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لَأَحَدٍ عُدْرًا؛ آیا پدرم پس از رخداد غدیر خم برای کسی عذری باقی گذاشته است؟»

ج. جانبازی و فداکاری: با ورود گردانندگان سقیفه به مرحله جدیدی از مبارزه با مقام ولایت و فراخوانی اجباری امیر مؤمنان (ع) به بیعت و مقاومت آن حضرت در برابر این خواسته و توسل فراخوانان به زور، مبارزه زهرا (س) در حمایت از ولایت نیز وارد مرحله جدید خود شد؛ مرحله‌ای که به نثار جان و شهادت او منتهی گشت.

عصمت کبری در دفاع از ولایت هنگام هجوم به خانه‌اش تا آن جا پیش رفت که پهلویش شکست و در خون نشست، محسنش سقط شد، میخ در بر سینه‌اش نشست، دست و بازویش بر اثر ضربه تازیانه آسیب دید و کبود شد و سرانجام بر سر پیمان الهی از هستی خویش گذشت و جان خود را فدا کرد تا ولایت بماند.

## 2- دادخواهی

دادخواهی زهرا (س) از متجاوزان به حق خود و داعیه داران دروغین جانشینی پیامبر (ص) که در تاریخ از آن به ماجرای «فدک» یاد شده، از دیگر محورهای مبارزاتی فاطمه (س) به شمار می‌رود. ماجرای غم‌انگیز فدک

بهانه‌ای شد تا دختر پیامبر (ص) در عرصه‌ای دیگر چهره باطل را با نقاب جدیدش رسوا کند و بسیاری از ناگفته‌ها را بگوید، و گرنه او در زندگی زاهدانه‌اش با چهار سال در اختیار داشتن فدک ثابت کرد که هیچ‌گونه دلبستگی به دنیا و مظاهر آن ندارد. از این رو می‌بینیم در خطبه‌ای که در پی غصب فدک ایراد می‌کند، هیچ نامی از آن نمی‌برد؛ بلکه محتوای خطبه هم‌اشاره در محکومیت و رسوایی گردانندگان سقیفه، عظمت و رنجهای پیامبر (ص)، وصایت و فضائل علی (ع)، تکریم و تحریک انصار و آگاهی بخشی و هشدار به مردم است. ده روز پس از رحلت رسول خدا (ص) و در حالی که زهرا (س) با پهلوی شکسته در بستر بیماری آرمیده بود، خبر آوردند که فدک از دست رفت و مأموران حکومت به دستور خلیفه، کارگزاران او را از فدک اخراج کرده و آن را به تصرف خویش در آورده‌اند.

فاطمه (س) که می‌دید این تجاوز آشکار - و توأم با نادیده گرفتن بسیاری از احکام اسلام - جامعه اسلامی را گرفتار انحرافی شدید از تعالیم اسلام و سنت پیامبر (ص) و بازگشت به جاهلیت می‌کند و از سوی دیگر، مقدمه‌ای است برای خانه‌نشین کردن امیرمؤمنان (ع) و محاصره اقتصادی یاران جانباز آن حضرت، به دفاع از حق خویش در مقابل غاصبان فدک پرداخت.

بانوی اسلام برای گرفتن حق خود از دو راه وارد شد: نخست از طریق مالکیت فدک و هدیه رسول خدا (ص) به او، و دیگری از راه ارث. خلیفه با بهانه‌های واهی و جعل این حدیث که پیامبر فرموده است: «ما پیامبران ارثی از خود باقی نمی‌گذاریم»، از پاسخ‌گویی به استدلالهای منطقی فاطمه (س) طفره رفت و بدین ترتیب فدک را همچون خود حکومت، غصب و دست اهل بیت (ع) را از یک پشتوانه مالی، کوتاه کرد تا آنان نتوانند در مقابل حکومت ایستادگی کنند.

دختر رسول خدا (ص) پس از رویارویی با بهانه تراشیهی خلیفه و یأس از باز پس گرفتن حق خود، برای روشن شدن افکار عمومی و اعلام موضع اهل بیت (ع) نسبت به این تجاوز آشکار در حالی که جمعی از زنان بنی هاشم او را در میان گرفته بودند به مسجد رفت و در جمع انصار و مهاجران خطبه جامع و مفصلی ایراد کرد و بسیاری از حقایق را در قالب این سخنرانی افشا نمود.

تحلیل‌های عمیق بانوی اسلام در این خطبه در زمینه مسئله توحید و هدف خلقت، اهداف بعثت، جایگاه قرآن، فلسفه و اسرار احکام و تعلیمات اسلام، تاریخ سیاسی اسلام و حوادث و رویدادهای بعد از رحلت پیامبر (ص) و ... درسهای بزرگی به رهروان راه حق می‌دهد و آنان را در مبارزاتشان با جریانهای انحرافی و نفاق مدد می‌رساند.

## درس چهاردهم: همسر داری

بی شک زن در زندگی خانوادگی نقش محوری و تعیین کننده دارد. زن به عنوان رکن اساسی خانواده و نیز به لحاظ ظرافت و لطافت ویژه‌ای که خداوند در ساختار روحی او به ودیعت نهاده است، عامل مهر و الفت و عشق و دوستی در محیط خانواده است. قرآن کریم با اشاره به همین لطافت روحی، که موجب سکون و آرامش خانواده می‌گردد، می‌فرماید: و از آیات او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید. و در میانتان مودت و رحمت قرار داد (روم: 21)

حضرت زهرا (س) به عنوان نمونه بارز و مظهر کامل یک زن، بهترین و روشن‌ترین مصداق آیه کریمه فوق می‌باشد. بی شک در این ازدواج الهی اهداف و مقاصدی بیش از آنچه در ازدواجهای معمولی منظور است، در نظر بوده است. پیشبرد اهداف رسالت و پشتیبانی فکری، معنوی، سیاسی و عاطفی از مقام ولایت در راه دشواری که در پیش دارد، می‌تواند از جمله این اهداف باشد.

حضرت فاطمه (س) نه سال در خانه علی (ع) زندگی کرد. آنچه از این زندگی مشترک در تاریخ ثبت شده نشان دهنده هماهنگی کامل فاطمه (س) با علی (ع) در ایفای مأموریت الهی آن حضرت است. تعاون بر تقوا و نیکی در زندگی این دو زوج اسوه، در اوج قرار داشت. می‌توان گفت آنچه در این خانواده گذشت و در گفتار و رفتار این دو انسان ملکوتی تجلی پیدا کرد برتر و بالاتر از تعاون، که ایثار بود.

### 1- بهترین همسر

زهرا (س) علی (ع) را بهترین همسر می‌دانست و همواره به وظایف همسری خود عمل می‌کرد. پیامبر (ص) چند روز پس از زندگی مشترک فاطمه و علی علیهما السلام نزد آنان رفت و ضمن گفت و گو با ایشان از فاطمه (س) پرسید: دخترم! شوهرت را چگونه یافتی؟ «فاطمه (س) در پاسخ گفت: پدر جان! بهترین همسر

### 2- محبت شدید به همسر:

فاطمه (س) به امیر مؤمنان (ع) بسیار علاقه‌مند بود؛ به حدی که خود را فدایی وی می‌دانست و با تعبیر «جانم فدایت و سپر بلایت» از او یاد می‌کرد.

حضرت زهرا (س) روی محبتی که به علی (ع) داشت هرگز بر خلاف رضای او گام بر نداشت و برخوردها و رفتارها با مولا در جهت جلب رضایت وی و زدودن غمها و غصه‌ها از دل او بود، به گونه‌ای که خود حضرت امیر (ع) در این باره می‌فرماید: هرگاه به چهره فاطمه می‌نگرم غمها و غصه‌ها از دلم زدوده می‌شود.

از گویاترین جلوه‌های این محبت، آنکه حضرت زهرا (س) در طول زندگی پر فراز و نشیب خود با علی (ع) هیچ گاه از وی تقاضایی نکرد که برآوردنش برای آن حضرت، مشکل و باعث رنج و ناراحتی وی باشد. لباس، زینت، اثاث خانه، امکانات اولیه زندگی و امثال آن، خواسته‌هایی است که معمولاً هر زنی به خود اجازه می‌دهد برای تأمین آنها به همسرش مراجعه کند و از او بخواهد؛ اما زهرا (س) هرگز فکر و اندیشه همسرش را بدین چیزها مشغول نساخت و این درسی بود که از پیامبر (ص) آموخته بود.

زهرا (س) دردها و رنجهایش را از علی (ع) پنهان می‌کرد تا مبادا او آزرده شود. حتی در بستر بیماری و در واپسین ساعات عمرش به فکر علی (ع) و رنجهای او بود و بر مظلومیت آن حضرت می‌گریست. علی (ع) پرسید:

«بانوی گرامی! چه چیز تو را به گریه واداشته است؟» پاسخ داد: «مصیبتها و مرارت‌هایی که بعد از من به تو می‌رسد.»

حضرت فاطمه (س) همواره - حتی برای پس از مرگش - در اندیشه آرامش و آسایش حضرت علی (ع) بود. از این رو، وصیت کرد پس از درگذشت او ازدواج کند و حتی خواهر زاده‌اش، امامه را هم معرفی کرد. او می‌گفت: «همسر برای مردان امری ضروری است.»

به راستی که لقب «حانیه» - کسی که به همسر و فرزندان بسیار مهربان است - زینده فاطمه (س) است؛ چرا که او به علی (ع) و فرزندانش عشق می‌ورزید و همه سختیها و مرارتها را در راه رضایت آنان که رضایت خدا در آن بود تحمل می‌کرد.

### 3- بهترین یاور علی (ع)

فاطمه (س) پیش از آنکه با علی (ع) ازدواج کند، مسئولیت خطیر او در پاسداری از اسلام و حمایت از بنیانگذار آن را به خوبی درک می‌کرد و می‌دانست اگر مجاهدتهای علی (ع) و حضور وی در عرصه‌های مختلف نباشد، پیشرفت اسلام در آن موقعیت حساس با مشکل جدی مواجه خواهد شد. از این رو، رنجهای ناشی از تهی دستی و فقر در محیط خانواده و کار در خانه و گاه بیرون از خانه را تحمل می‌کرد تا همسرش فرصتی بیش‌تر بیابد و به مسئولیت‌های دینی و اجتماعی‌اش بپردازد.

فاطمه (س) در کشاکش زندگی نه تنها همفکر علی (ع) و همگام با او، که یاور و مددکار او در ایفای مسئولیت دینی‌اش بود؛ بدین سان حضرت زهرا (س) شریک مجاهدتهای اجتماعی همسر بزرگوارش علی (ع) بود و این می‌تواند به نوبه خود دستورالعمل زندگی برای همه همسران باشد.

### 4- مدیریت کانون خانه:

کانون خانه، هسته مرکزی جامعه و مقدس‌ترین محیط برای رشد انسانها است. بدین روی کسانی که با فراگیری اصول صحیح انسانی و تربیتی از این آموزشگاه فارغ التحصیل می‌شوند، با پا نهادن در محیط اجتماع، می‌توانند سهم مهمی در اصلاح خود و جامعه بر گردن گیرند. در این میان نقش مدیریت و سازندگی زن در رشد و تکامل اعضای خانواده، تعیین کننده است و هر چه مدیریت و تدبیر او در حسن اداره شئون مختلف زندگی، قوی‌تر و مطلوب‌تر باشد، محیط خانواده لطیف‌تر و اعضای آن در پیشبرد اهداف زندگی مشترک، هماهنگ‌تر خواهند بود. از شئون مدیریتی حضرت زهرا (س) رازداری وی و رعایت حرمت خانواده و حفظ آبروی علی (ع) است. او تمام مشکلات و کمبودها را تحمل کرد؛ اما خم به ابرو نیاورد و هرگز محرومیت رفاهی خویش را به رخ علی (ع) نکشید و در غیاب شوهر از خانه و فرزندان او به خوبی نگهداری کرد و زمانی که علی (ع) میهمانی را به منزل دعوت می‌کرد، زهرا (س) با اینکه می‌دانست در خانه چیزی وجود ندارد به احترام شوهر از میهمان به گرمی استقبال می‌کرد و اگر لازم بود، کودکان خود را گرسنه می‌خوابانید و مختصر غذای آنان را به میهمان شوهر می‌داد و بدین گونه آبروی خانواده را حفظ می‌کرد. از مطالعه سیره زهرا (س) چنین بر می‌آید که وی از طرح مشکلات و نارساییهای زندگی حتی نزد پدرش ابا داشت مگر آن گاه که خود آن حضرت از وی می‌پرسید.



از دیگر شئون مدیریتی فاطمه (س) در محیط خانواده، تقسیم کار و وظایف ناشی از زندگی مشترک است. زمان زیادی از ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام نگذشته بود که خدمت پیامبر (ص) رسیدند و از او خواستند تا کارهای خانه را میان آن دو قسمت کند.

رسول خدا (ص) کارهای خانه را به فاطمه (س) سپرد و مسئولیتهای بیرون خانه را به علی (ع)، و بدین ترتیب علی (ع) هیزم و آب می‌آورد و زهرا (س) آرد را خمیر می‌کند و نان می‌پخت. بر پایه توافقی دیگر، مسئولیت نظافت و جارو زدن خانه را نیز فاطمه (س) بر عهده گرفته بود.

از آنجا که بیشتر وقت امیرمؤمنان (ع) در مأموریت‌های نظامی و تبلیغاتی خارج از شهر سپری می‌شد، به طور قهری در بسیاری اوقات، فاطمه (س) علاوه بر انجام دادن کارهای خانه، ناگزیر از سامان دادن امور خارج از خانه نیز بود. بدین جهت امیر مؤمنان (ع) فرموده است: «فاطمه آنقدر بامشک آب کشید که آثار بند مشک بر بدنش پیدا بود.»

مقام معظم رهبری در بیانی زیبا مسئولیت شوهرداری حضرت زهرا (س) را چنین تحلیل می‌کند: شما ببینید شوهرداری فاطمه زهرا (س) چگونه بود. در طول ده سالی که پیامبر (ص) در مدینه بودند، حدود نه سالش حضرت زهرا و حضرت علی (ع) علیهما السلام با همدیگر زن و شوهر بودند. در این نه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند (حدود شصت جنگ اتفاق افتاد) در اغلب آنها امیر المؤمنین هم بوده است. حالا شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می‌ماند این قدر جبهه وابسته به او است. از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند؛ همان چیزهایی که شنیده‌ایم: وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (انسان: 8)؛ یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه محض داشتند، در حالی که دختر رهبر است، دختر پیامبر است، یک نوع احساس مسئولیت هم می‌کند. ببینید انسان چه روحیه قوی‌ای باید داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند، دل او را از سوسه اهل و عیال و گرفتاریهای زندگی خالی کند، به او گرمی بدهد، بچه‌ها را به آن خوبی تربیت کند. حالا شما بگویید امام حسن و امام حسین امام بودند و طینت امامت داشتند؛ زینب که امام نبود. فاطمه زهرا (س) این گونه خانه داری، شوهرداری و کدبانویی کردند و این طور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفتند. آیا اینها نمی‌تواند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه دار یا مشرف به خانه داری الگو باشد؟ اینها خیلی مهم است.

5- همسرداری فاطمه (س) در نگاه علی (ع)

وقتی رسول خدا (ص) رحلت کرد، علی (ع) گفت: «این یکی از دو تکیه گاه من بود که فرو ریخت.» و چون فاطمه (س) از دستش رفت فرمود: «این نیز تکیه گاه دوم بود.»

روزی امام علی (ع) خطاب به یکی از مردان بنی اسد فرمود: «می‌خواهی از زندگی خود و فاطمه برایت سخن بگویم؟» او محبوب‌ترین افراد خانواده نزد پیامبر (ص) بود؛ با این حال در خانه من آنقدر مشک آب به دوش کشید که جای آن بر بدنش ماند و آنقدر با دستانش آرد کرد که دستهایش تاول برداشت و آنقدر در نظافت و پاکیزگی محیط زندگی جارو زد که رنگ لباسهایش تغییر کرد و آنقدر با هیزم، آتش زیر دیگها روشن کرد که رنگ لباسهایش به تیرگی گرایید و از این بابت رنج و آسیب فراوانی متحمل شد.»

زهرا (س) همواره مایه افتخار و مباحثات علی (ع) بود و با صراحت می‌فرمود: «من به فاطمه و پدرش افتخار می‌کنم و افتخار می‌کنم به رسول خدا (ص) که فاطمه را به همسری من برگزید.»  
و نیز در خطابه‌اش در مسجد در جمع مسلمانان فرمود: «من وصیّ پیامبر (ص) و همسر دختر او فاطمه سرور زنان جهانیان هستم.» بهترین زنان جهانیان از ما است؛ در حالی که حمالة الحطب [عمه معاویه و همسر ابولهب] از شما است.

و نیز به عنوان مفاخر خود در خطبه‌اش در کوفه پس از مراجعت از نهروان فرمود: «من همسر بتول، سرور زنان جهانیان، فاطمه پرهیزگار، پاکدامن، خود ساخته، نیکوکار، هدایت شده، محبوب حبیب خدا و بهترین دختران او و گل بوستان محمدی هستم.»

فقدان زهرا (س) برای علی (ع) بسیار سنگین و جانکاه بود. از این رو، با آنکه فاطمه (س) از قبل، او را به آرامش و بردباری دعوت کرده بود، در فراق او ضجه می‌زد و با سوز و گداز زمزمه می‌کرد.

سخنان امام خطاب به رسول خدا (ص) پس از خاک سپاری فاطمه (س) ترسیم کننده زندگی و حالات روحی امیرمؤمنان (ع) پس از شهادت حضرت زهرا (س) و فقدان این همسر محبوب و فداکار است:

درود بر تو ای رسول خدا! از من و دختری که در جوار تو آرمیده و خیلی زود به تو پیوسته است. ای رسول خدا! مرگ دختر گرامی‌ات، عنان شکیبایی از کفم ربوده و توان خویشنداری‌ام نمانده است ... امانت باز گردانده شد و گروگان به صاحبش رسید، ولی در این مصیبت، کار همیشگی‌ام اندوه بوده، شبم به بیداری خواهد گذشت تا اینکه خداوند خانه‌ای را که تو در آن به سر می‌بری برآیم برگزیند و مرا به تو ملحق کند ...»

## درس پانزدهم: فرزندداری

وراثت، محیط و مربی، سه عامل مهم تربیتی به شمار می‌روند که در تکوین شخصیت انسان نقش بسزایی دارند؛ عامل وراثت و محیط در حد زمینه و بستر شکل‌گیری روحیات و خصلتها، و مربی در جایگاه جهت‌دهی، هماهنگی، بالندگی و هدایت آنها. بدین جهت نقش مربی در ساختار تربیتی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. و در حقیقت سرنوشت هر انسانی، ریشه در روحیات، خصلتها، رفتارها و آموزش‌های کسانی دارد که در دوران طفولیت سِمَت مربیگری او را بر عهده داشته‌اند. در این میان، مادر به عنوان نزدیک‌ترین و مهربان‌ترین فرد به انسان در ساختار فکری و فرهنگی فرزند و تعیین مسیر آینده زندگی وی نقشی بی‌بدیل دارد. مکتب تربیتی فاطمه (س) بهترین الگوی زنان و مادران در هر عصری است.

بانوی اسلام با مدیریت صحیح تربیتی و به کارگیری روشهای عاطفی و منطقی - که امروزه مورد توجه روان‌شناسان تربیتی است - موفق شد فرزندانی به جامعه اسلامی تحویل دهد که هر یک کوهی از عظمت و سرچشمه خیرات بودند و نقش اساسی در حفظ و گسترش دین و احکام الهی ایفا کردند و به الگوهای مقاومت، شرف، هدایت، بخشش، جهاد، جانبازی، شهادت و ... تبدیل گشتند.

امام حسن (ع) بعد از پدر به امامت رسید و الگوی زهد و تقوا و گذشت است و همه زندگی‌اش در خدمت به دین، ستیز با ستمگران و هدایت امت سپری شد. امام حسین (ع) مظهر عزت، شجاعت و جهاد برای همه آزادیخواهان تاریخ است. دخترانش زینب و ام کلثوم نیز هر یک شیر زنانی هستند که با آگاهی و صلابت، رسالت برادران خویش را پی گرفتند و در کربلا به رغم رویارویی با آن همه رنج و محنت، فریاد حسین (ع) را در کوفه و شام و دیگر منازل به گوش دیگران رسانده، در برابر دشمن خونخواری چون عبیدالله و یزید مردانه ایستادگی کردند.

اینک با گذشت قرن‌ها از فرزندداری فاطمه (س) این پرسش مطرح است که وی چگونه و با چه روشهایی از عهده این وظیفه سنگین، آن هم در آن شرایط و با مسئولیتها و مشاغل مهم دیگر بر آمد؟ دیدگاههای فاطمه (س)

قبل از تبیین شیوه‌های تربیتی حضرت زهرا (س) لازم است اشاره‌ای به دیدگاههای آن حضرت درباره خانواده، فرزند و موضوع تربیت داشته باشیم.

### 1- خانواده:

از منظر فاطمه (س) ارزش کانون مقدس خانواده به حدی است که او دوست داشت تمام اوقات خود را در آن بگذراند، بی آنکه احساس خسارت و زیان کند. او چنان به کانون خانواده دل بسته بود که وقتی مسئله تقسیم کار بین آن حضرت و علی (ع) مطرح و معلوم شد که فاطمه (س) باید در محیط خانه به ایفای مسئولیت بپردازد، بسیار خوشحال گشت.

### 2- فرزند:

حضرت زهرا (س) فرزند را امانت الهی در دست والدین و با الهام از فرمایش پیامبر (ص)، دسته‌گلی خوشبو و پدر و مادر را مسئول تربیت و رشد فرزند می‌دانست. او فرزندداری را شأن کوچکی نمی‌دانست که امر اداره آن را به دیگری واگذارد و خود در پی مشاغل دیگر هر چند مهم و پر سر و صدا برود.

### 3- تربیت:

حضرت زهرا (س) به موضوع تربیت به دیده اهمیت می‌نگریست و غفلت از آن را موجب صدمه و خسارتی عظیم برای فرد و جامعه. او این سخن را از پدر خویش شنیده بود که: «به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت کنید»

بدین جهت همه شرایط و عوامل تربیت تحوّل زا و سازنده را در محیط خانواده فراهم کرده بود. او با مدیریت صحیح تربیتی فضای خانه را به کلاس عالی تربیت تبدیل کرده بود؛ کلاسی پر از شور و مبحث، سرشار از ایمان و اخلاص، اخلاق و انضباط، همکاری و مشارکت، ایثار و فداکاری و دهها اصول اخلاقی و انسانی دیگر. این کلاس تربیتی از چنان اصالت و استحکامی برخوردار است که امام حسین (ع) پس از گذشت بیش از نیم قرن از تشکیل آن از ارزشهای والایش یاد می‌کند. زمانی که عبیدالله بن زیاد به دستور یزید، امام حسین (ع) را بین تسلیم در برابر حکومت شام و یا مرگ مخیر کرد، حضرت در ردّ این خواسته نابخردانه به تربیت خانوادگی خویش استناد کرده، می‌فرماید: خدا و پیامبرش و مؤمنان و دامنه‌های پاک و سرافرازان غیور و دلاوران با شرافت، ذلّت را از ما نمی‌پذیرند.

و بدین ترتیب امام حسین (ع) آزادگی، جوانمردی، ظلم ستیزی و عدالت خواهی تجلی یافته در قیام عاشورا را محصول تربیت و دستاورد آموزشهای خانواده و دامن پاک و مطهر مادر می‌داند.

### شیوه‌های تربیتی حضرت زهرا (س)

تعلیم و تربیت یک علم و فن و هنر است که موضوع آن در درجه اول، روح و جان آدمی است. از این رو، روشها و شیوه‌های خاص خود را می‌طلبد. رفتار معصومان از جمله حضرت زهرا (س) به عنوان کسانی که خداوند امر تعلیم و تربیت و تزکیه انسانها را به آنان واگذاشته است، در این زمینه بهترین و مفیدترین الگو است.

1- زمان تربیت:

آموزه‌های دینی و سیره معصومان - علیهم السلام - زمان آن را از دوران بارداری مادر و حتی پیش از آن می‌داند که پرداختن به این موضوع مجال بیش‌تری می‌طلبد.

حضرت زهرا (س) هنگام بارداری و در زمان شیر دادن به فرزندان خویش آداب و سنن اسلامی را به دقت رعایت می‌کرد. انتخاب نام مناسب برای فرزند، که اثر بسزایی در روح کودک دارد، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند، عقیقه کردن به نام او، تراشیدن سر فرزند در هفتمین روز ولادت او و هم‌وزن موهای سر، نقره صدقه دادن و نیز برای قابله و همسایه‌ها هدیه فرستادن، از سنتها و آداب اسلامی ولادت فرزند است که مورد اهتمام و عنایت حضرت زهرا (س) بود.

### 2- محبت و شفقت:

حضرت زهرا (س) نسبت به فرزندان بسیار مهربان بود و با آنان بسیار مشفقانه و با محبت رفتار می‌کرد. خود همچون شمع می‌سوخت و خلأ کمبودهای مادی را با محبت جبران می‌کرد و مشعل زندگی را روشن و فروزان نگه می‌داشت.

بانوی بزرگوار اسلام با شفقت خاص، نور دیدگانش را سرگرم می‌نمود. گاهی شعر می‌خواند و گاهی با انواع بازیها نیاز طبیعی بچه‌هایش را تأمین می‌کرد. در احادیث آمده است که حضرت زهرا (س) با فرزندش حسن (ع) همبازی می‌شد.

نکته درخور توجه اینکه فاطمه (س) حتی هنگام بازی با کودکان خویش به موضوع تربیت آنان و آشنا ساختن ایشان با مفاهیم عالی تربیتی، معارف دینی و مضامین انقلابی، اهتمامی ویژه داشت و با محتوایی ارزشی به سرگرمی فرزندان خویش می‌پرداخت. دل زهرا (س) کانون محبت به فرزندان و روی سینه‌اش بستر آرمیدن آنان بود. فاطمه (س) چنان به فرزندانش وابسته بود که دوری آنان را نمی‌توانست تحمل کند.

3- تمرین عبادت:

از محورهای اساسی مورد توجه حضرت فاطمه (س) در تربیت فرزندان خویش، تمرین عبادت در کودکی است او شوق بندگی و خضوع در برابر معبود و استعانت از ذات بی‌نیاز او را از همان دوران کودکی در دل فرزندان خویش تقویت کرد و بذریعۀ محبت و ارتباط با معبود را در کام آنان بیفشاند.

بانوی عابد بی‌همتا هنگامی که در دل شب به عبادت و تهجد می‌ایستاد، کودکان خویش را نیز - با توجه به توان و استعداد آنان - بیدار می‌کرد تا تمرین شب زنده داری کنند.

حضرت فاطمه (س) در شب قدر کودکان خویش را به بیداری ترغیب می‌کرد و برای آنکه بچه‌ها با میل و رغبت به احیای شب قدر بپردازند، در روز آنان را می‌خوابانید و غذای سبک‌تری به آنان می‌داد تا از نظر جسمی و روحی آمادگی بیشتری برای شب زنده‌داری پیدا کنند. او به حدی در این کار جدی و قاطع بود که نمی‌گذاشت احدی از اهل خانه به خواب رود و می‌فرمود: «محروم کسی است که از برکات و خیرات شب قدر محروم بماند.» دختر رسول گرامی اسلام با ارائه الگوی عبادی به فرزندان و نیز اهتمام به پرورش عبادی آنان توانست آنان را به کمال مطلوب برساند. فرزندان فاطمه (س) به درجه‌ای از رشد عبادی رسیده بودند که حتی در سخت‌ترین شرایط، سنت شب زنده داری به یادگار مانده از مادر را رها نکردند. آن حسین (ع) که در شب عاشورا و در آن لحظات حسّاس، لذت بخش‌ترین عمل برای او عبادت و تلاوت قرآن و نیایش با پروردگار بود. از این رو آن شب را از دشمن مهلت خواست تا لحظاتی بیشتر با خدای خویش مناجات کند و زینب کبری (س) که حتی در شب یازدهم محرم با آن همه رنج، خستگی و تحمل مصائب سخت، نماز شبش ترک نشد. امام سجاد (ع) می‌فرماید:

«عمّه‌ام زینب با آن همه اندوه و مصیبت، در راه شام نیز نافله‌های شب را ترک نکرد.»

4- عدالت پروری:

پدر و مادر نباید بین فرزندان خود جهت فرق بگذارند؛ بلکه باید با آنان به عدالت رفتار کنند و از این طریق زمینه هر گونه حسادت و کینه توزی را منتفی سازند. حضرت زهرا (س) با الهام از رهنمود پیامبر (ص) با رعایت دقیق عدالت در میان فرزندان خویش روح عدالت پروری را در آنان تقویت می‌نمود. آن حضرت سعی می‌کرد با فرزندان به گونه‌ای برخورد کند که ضمن رشد و تعالی آنان، نسبت به همدیگر خیلی مهربان و صمیمی باشند و احترام یکدیگر را حفظ کنند.

## درس شانزدهم: حضور در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی

از جمله قلمروهای الگو بخشی سیره حضرت فاطمه (س) زندگی اجتماعی و سیاسی آن حضرت است.. او همان گونه که در ابعاد مختلف علمی، اخلاقی، عبادی، تربیتی و سایر کمالات انسانی و ارزشهای دینی پیشگام بود، در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز انسانی ممتاز و چهره‌ای فعال به شمار می‌رفت.

حضرت زهرا (س) هرگز در یک نقطه از ابعاد زندگی توقف نداشت و به یک مرحله و یک بعد از ابعاد آن هر چند مهم، اکتفا نکرد؛ چرا که نه اسلام را محدود به بعد عبادی و فردی‌اش می‌دانست و نه رسالت و مسئولیت زن را تنها در خانه داری و تربیت فرزند. از این رو، به موازات اهتمام به مسائل خانه و خانواده و نیز مسائل عبادی، مسائل اجتماعی و مبارزاتی و سیاسی جامعه نیز برایش مطرح و با ارزش بود. او این رهنمود هشدار دهنده را از پدر بزرگوارش شنیده بود که: «هر کس صبح کند در حالی که اهمتی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست.» فاطمه (س) در زندگی اجتماعی خویش اهمتی وافر به حل و فصل امور مسلمانان و رفع دردمندیها و نیازمندیها از زندگی آنان داشت. گوشه‌هایی از سیره آن حضرت در ابعاد اجتماعی، سیاسی و نظامی عبارتند از:

1- اجتماعی: از منابع تاریخی چنین بر می‌آید که حضرت زهرا (س) برای ایفای مسئولیتهای اجتماعی با شخصیت‌هایی از یاران رسول خدا (ص) همچون سلمان، مقداد، ابوذر، بلال، عمار و جابر بن عبدالله انصاری ارتباط داشت، با آنان جلسه می‌گرفت، حوزه درسی تشکیل می‌داد و سخنان آموزنده و اطلاعات و دعاهای مخصوص به آنان می‌آموخت. وقتی بیمار می‌شد، آنان به عیادتش می‌آمدند و در اعیاد و روزهای خجسته و هنگام تولد فرزندانش برای عرض تبریک به حضورش می‌رسیدند و یا برای حل مشکل درمانده‌ای به او مراجعه می‌کردند. فاطمه (س) در کنار پرداختن به امور خانه از مسائل اجتماعی غافل نبود. صله ارحام می‌کرد و به دیدار خویشاوندان می‌شتافت و با آنان نشست و برخاست داشت و حتی پس از مرگ فراموششان نمی‌کرد و ضمن حضور بر مزارشان برای آنان از خدا طلب آمرزش می‌نمود و با دعا و قرائت قرآن، از فداکاریها و مجاهدتهای آنان در راه اسلام تقدیر و تکریم می‌کرد.

2- سیاسی: مسئول بودن انسان در برابر خدا، پیامبر (ص) و جانشینان او و نیز مردم، ایجاب می‌کند که در برابر حوادث و جریانات پیرامونی خود بی تفاوت نباشد؛ چه آنکه حرکتها و وقایعی که در حیات بشر پدید می‌آیند. هر کدام به نحوی و در شعاعی در سرنوشت آینده انسان مؤثرند. در این میان هر قدر جایگاه انسان بالاتر و موقعیت او حساس‌تر باشد، مسئولیتش بیشتر و سنگین‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، روح و جهت‌گیری اساسی سیاست عبارت است از نوع تعامل و روابط متقابل بین مردم و هیئت حاکم و این می‌طلبد که همه افراد سیاستمدار باشند و نسبت به مسائل پیرامونی خویش که به سرنوشت آینده آنان مربوط می‌شود، در مرحله نخست، شناخت لازم پیدا کنند و در مرحله بعد موضع مشخص اتخاذ نمایند. حیات فاطمه (س) چه در مکه و چه در مدینه سرشار از وقایع و رخدادهای مهم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی بود و فاطمه (س) در همان حال که از ویژگیهای لطیف زنانه برخوردار بود و قلبی رئوف و مهربان و تنی خسته، و اندیشه و جسمی مشغول به عبادت داشت، در همه این عرصه‌ها تا آنجا که وظیفه ایجاب می‌کرد حضور داشت.

پس از رحلت پیامبر (ص) و پیدایی رخدادهای جدید در جامعه اسلامی، فصلی جدید از زندگی سیاسی فاطمه (س) آغاز شد؛ فصلی که با مراحل پیشین بسیار متفاوت بود و دختر پیامبر (ص) را با همه خستگی ناشی از کار خانه، سرپرستی کودکان خردسال، اشتغالات عبادی و اجتماعی و از همه رنج آورتر، فراق پدر، با همه توان به میدان سیاست کشانید.

حضرت زهرا (س) در این فضای مسموم و پر از آتش و خون و فتنه، علاوه بر اینکه دختر پیامبر (ص) و همسر علی (ع) است، در چهره یک زن مسلمان مسئول در برابر رخدادهای جامعه اسلامی، وارد میدان سیاست شد و با اتخاذ بهترین و مؤثرترین راهها و شیوه‌های مبارزاتی به ایفای رسالت الهی خویش پرداخت. حضرت زهرا (س) در خطابه حماسی خود افقهای بسیاری را گشود؛ از حمد و ثنای الهی گرفته تا نقش رسالت در تحول تاریخی عرب و حکمت دستورهای اسلامی؛ اما با ژرف نگری در این خطبه می‌توان دریافت که همه موضوعات مطرح شده در مسیر باز نمودن جایگاه ولایت و امامت در نظام اسلامی و تعیین و معرفی مصداق آن، چینش و سامان یافته است. مهم‌ترین هدفی که در خطبه حضرت دنبال می‌شود، فهماندن این حقیقت به همگان است که تنها راه ثمر بخشی و سامان پذیری شریعت و یگانه محور وحدت، پذیرش ولایت اهل بیت - علیهم السلام - و سر سپردگی عملی به آن است.

از منظر دختر پیامبر (ص) جامعه آن گاه از ناهماهنگی و نابسامانی می‌رهد که افراد آن یک نظام لایق و کارآمد را برای ساماندهی امور خویش برگزینند و جملگی با اتحاد و هماهنگی کامل به اجرای فرمانها و خواستههای رهبری آن همت گمارند تا از این رهگذر افراد جامعه به سعادت دنیا و آخرت نایل آیند.

3- نظامی: در طول نه سال زندگی مشترک فاطمه و علی - علیهما السلام - بیش از شصت برخورد نظامی بین پیامبر (ص) و مخالفان رخ داد که علی (ع) در بسیاری از آنها حضور داشت. حضرت زهرا (س) در این مدت، ضمن ایفای مسئولیت سنگین خانه داری و فرزند داری، در مواقع لازم با حضور در میدانهای نبرد به یاری رزمندگان اسلام می‌شتافت و کارهای خدماتی و امدادی انجام می‌داد.

بدین ترتیب زندگی فاطمه (س) همانگونه که در ابعاد فردی، عبادی، اخلاقی و تربیتی حجّت است، در ابعاد اجتماعی، سیاسی و نظامی نیز حجّت و درس‌آموز است. او به همگان آموخت که درباره مسائل مختلف فردی و اجتماعی چگونه موضع بگیرند و نیز آموخت که در مواردی که ضرورت ایجاب کند، با حفظ معیارها و ضوابط مذهبی می‌توان به میدان اجتماعی پا نهاد و حتی وارد عرصه کارزار شد و به یاری رزمندگان شتافت. همچنین نشان داد که زن مسلمان باید در عرصه سیاسی، آن گاه که تشخیص دهد، حق به انزوا و فراموشی سپرده شده و مردم، راه انحراف در پیش گرفته‌اند، به دفاع از حق بپردازد و با پرچمداران باطل به ستیز برخیزد و در این راه تا سرحد شهادت پیش رود.